

## تبارشناسی تهدیدات داعش در جهان اسلام؛ از رهگذر نقد مکاتب غیربومی و کاربست نظریه نظام سلطه آیت‌الله سیدعلی خامنه‌ای

محمد داوند<sup>۱\*</sup>

محسن اسلامی<sup>۲</sup>

### چکیده

**هدف:** روایت‌های مکاتب امنیتی غیربومی از تبار تهدیدات داعش در جهان اسلام، ناکارآمد و در جهت منافع راهبردی حاکم بر مطالعات امنیتی غربی است. در حالی که شناخت دقیق الگوی رفتاری داعش بر اساس یک نظریه بومی، زنجیره منافع جریان قدرت در نظام بین‌الملل با مکاتب علمی محافظه کار را قطع می‌کند. لذا هدف اصلی پژوهش حاضر، تبارشناسی تهدیدات داعش به‌واسطه نقد مکاتب غیربومی امنیتی و کاربرست نظریه سلطه آیت‌الله خامنه‌ای در جهان اسلام است.

**روش‌شناسی پژوهش:** روش اصلی تحقیق حاضر؛ قیاسی و رویکرد آن انتقادی و تحلیلی است. **یافته‌ها:** دستاوردهای این پژوهش در پاسخ به این سؤال مدون شده‌اند: نظریه نظام سلطه چگونه تهدیدات داعش را تبارشناسی می‌کند؟ نویسنده معتقد است مکاتب امنیتی غربی به دلایل پیوند با اومانسیم، قدرت و ژئوپلیتیک خاص اندیشه‌ورزی خود از این امر عاجز هستند. در مقابل، نظریه نظام سلطه با جهان‌بینی توحیدی، به دور از هرگونه ملاحظه خاص قدرت، علل، روش و اهداف داعش در جهان اسلام را به نظم می‌کشد. **نتیجه‌گیری:** از این حیث، علت تهدیدهای داعش، اشتراک منافع (به حاشیه راندن الگوی مقاومت) با سردمداران نظام سلطه است. روش تهدیدات داعش منبعث از روش نظام سلطه برای سرکوب مخالفان، «ترور» است و هدف تهدیدهای داعش الگو گرفته از راهبرد نظام سلطه، مهار مقاومت اسلامی، کمک به بقای رژیم صهیونیستی و اسلام‌هراسی است. در نظریه نظام سلطه برخلاف مکاتب امنیتی بررسی شده، اصلی‌ترین راهبرد مقابله با اهداف نظام سلطه، مبارزه با تروریسم و سردمداران ترور به منظور قطع زنجیره رابطه سلطه‌جو و سلطه‌پذیر است.

**کلیدواژه‌ها:** داعش، تهدید، نئورئالیسم، مکتب کپنهاگ، مکتب پاریس، نظریه نظام سلطه، کارآمدی.

**Email:** davand@modares.ac.ir

۱- دکترای روابط بین‌الملل دانشکده علوم انسانی دانشگاه

تربیت مدرس (نویسنده مسئول)

**Email:** m.eslami@modares.ac.ir

۲- دانشیار روابط بین‌الملل دانشکده علوم انسانی دانشگاه

تربیت مدرس

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۱۰/۰۳

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۶/۰۷

## مقدمه

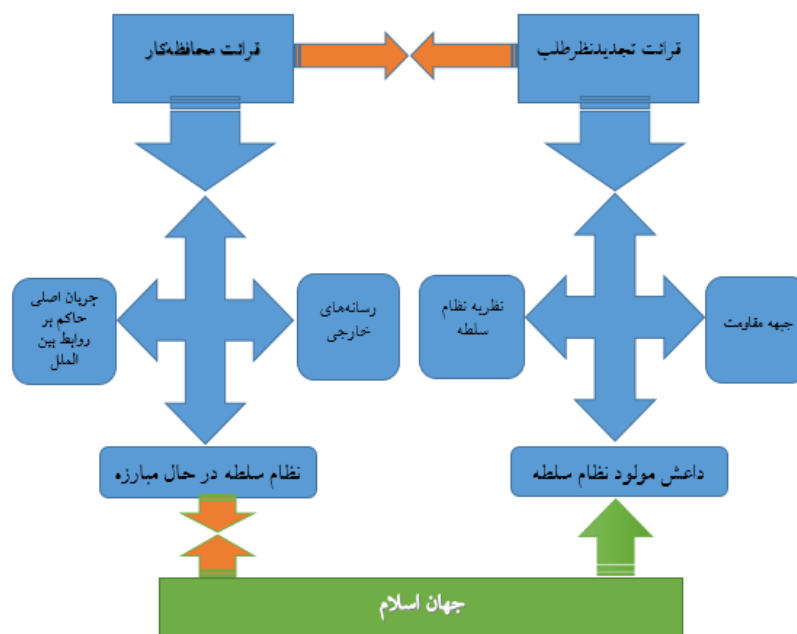
به اعتقاد نویسنده، در ارتباط با عملکرد داعش دو قرائت وجود دارد: قرائت محافظه‌کارانه و قرائت تجدید نظرطلبانه. قرائت رسمی محققان علوم سیاسی و جریان حاکم بر محافل آکادمیک و رسانه‌ای دنیا از برخی از حقایق شکل‌گیری و رفتار گروه‌های تروریستی - تکفیری نظیر داعش چشم می‌پوشند که نویسنده ادبیات این جریان را محافظه‌کارانه تلقی می‌نماید. در این ادبیات، تحولات گروه‌های تروریستی اعم از سلفسیم و نوسلفسیم ناشی از فرایندهای درونی جهان اسلام است و غرب و نظام حاکم بر سیاست بین‌الملل، نقشی در پیدایش، تثبیت و ترویج گروه‌های تروریستی ندارند و یا حداقل سیاست بین‌الملل در این راستا نقشی با اولویت درجه دوم و واکنشی (در مبارزه با تروریسم) داراست، نه یک نقش فعال، آگاهانه و راهبردی.

برای نمونه، ذوالفقاری و عمرانی (۲۰۱۷) در اثر خود تحت عنوان «تأثیر ظهور داعش بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران»، تهدیدات حاصل از ظهور داعش را بر اساس رویکرد امنیت ملی در مکتب کپنهاگ، رادیکالیزه شدن فضای منطقه غرب آسیا از طریق شکاف بین شیعه و سنی، تهدید مرزها و به خطر افتادن تمامیت ارضی، بر هم زدن موازنه قوا در راستای منافع عربستان سعودی و ترکیه می‌دانند. محمدسالار کسرابی و سعیده داوری مقدم (۲۰۱۵) در مقاله‌ای با نام «برآمدن داعش در غرب آسیا: تحلیلی جامعه شناختانه» بر این عقیده است که روابط موجود در نظام جهانی، نظام‌های سیاسی تبعیض‌آلود غرب و دیکتاتورهای منطقه غرب آسیا، رسانه‌ها و افکار پسااستعماری منجر به شکل‌گیری این گروه شده‌اند و زمینه ایجاد بحران هویت و احساس محرومیت را در این افراد فراهم کرده‌اند. جریان محافظه‌کار از لحاظ نظری، وابسته به مکاتب غیربومی هستند و از قواعد علمی حاکم بر جریان اصلی علوم سیاسی و روابط بین‌الملل تبعیت می‌کنند.<sup>۱</sup>

در مقابل ادبیات محافظه‌کارانه، قرائت تجدید نظرطلب قرار دارد. این دسته از اندیشمندان معتقدند عملکرد داعش در جهان اسلام، مولود راهبرد نظام حاکم بر سیاست بین‌الملل (سلطه) در غرب آسیا به شکل مستقیم و کنترل شده (توسط نظام سلطه و کشورهای همسو با آن در منطقه) است. این جریان به میزان زیادی کنش داعش را بر مبنای راهبرد نظام سلطه ارزیابی می‌کند تا تحولات داخلی جهان اسلام. برای مثال، آذین و سیف‌زاده (۲۰۱۵) در مقاله خود تحت عنوان «بررسی زمینه‌های اجتماعی و سیاسی ظهور داعش در

۱. جریان محافظه‌کار در ایران ریشه‌دار است: برای نمونه، احمدی (۲۰۰۵)، در مقاله‌ای تحت عنوان «جنبش‌های اسلامی و خشونت در غرب آسیا» می‌نویسد: توسل گسترده برخی از جنبش‌های اسلام‌گرا به خشونت و عملیات تروریستی در نیمه دوم دهه ۱۹۹۰، تحولی مهم در تاریخ فعالیت‌های اسلام‌گرایانه محسوب می‌شود. به نظر وی، این مسئله نتیجه ترکیب دو جریان اسلام‌گرای مغرب و مشرق عربی بوده است که موجب شده دو گونه خشونت واکنشی و خشونت ایدئولوژیک جای خود را از ابتدای دهه ۱۹۹۰ به خشونت فرقه‌ای بدهد. یا ثریا (۲۰۰۵) در پژوهشی با عنوان «آمریکا، تروریسم و بنیادگرایی» بر این عقیده است که تروریسمی که امروزه در حال فعالیت است، گونه‌ای از خشونت سیاسی است که بنابر ماهیت خود، سیاست را نفی می‌کند. گذشته از این که تروریست‌ها پشتیبانی دولتی داشته باشند، ترور به هر شکل و شیوه‌ای که باشد، از دیدگاه عاملان آن تصمیمی است استراتژیک در ستیز با نیروهای امپریالیسم (ایالات متحده و متحدین).

غرب آسیا» معتقدند که پیدایش گروه تروریستی - تکفیری داعش، ریشه در رقابت‌های سیاسی و عملکرد اقتداری جهانی در این منطقه دارد. همچنین داوند (۲۰۱۹)، در تحقیقی با نام الگوهای رفتاری گروه تکفیری - تروریستی داعش در جهان اسلام (با تأکید بر اقدام در حوزه دفاعی - امنیتی در محیط پیرامونی ج.ا.ایران تا ۱۴۰۴) معتقد است که مخرج مشترک اقدامات و تهدیدات داعش مبارزه چند وجهی با محور مقاومت در برابر نظام سلطه در جهان اسلام است. در شکل زیر، تقابل دو جریان مزبور به تصویر کشیده شده است.



شکل ۱: دو قرائت متفاوت از تبار تهدیدات داعش، منبع: نویسنده

نویسنده بر این باور است، از آنجایی که رشته علوم سیاسی و روابط بین‌الملل خاستگاهی غربی دارد و در کشورهای غربی تثبیت و ترویج یافته است، قاعدتاً جریان علمی سیاسی در ارتباط با «تروریسم» با مجامع و نهادهای قدرت در غرب پیوند خورده و تحت تأثیر تدابیر و راهبردهای اصلی نظام حاکم بر سیاست بین‌الملل قرار می‌گیرند. به‌طور واضح، نتیجه چنین پیوندی قرائتی محافظه‌کار از تحولات «تروریسم» و «افراطی‌گری» است. در قرائت رسمی که اکثر پژوهشگران خارجی و داخلی نیز پیرو آنند، بر این نکته تأکید می‌گردد که «تروریسم» بیش از آن که ریشه خارجی داشته باشد، منبعث از بحران‌های داخلی کشورهای اسلامی و عمدتاً در پاسخ به مشکلات داخلی جهان اسلام است.

نویسنده این تحلیل را براساس داده‌های عینی که در ادامه مقاله آمده است، علمی نمی‌پندارد و در جست‌وجوی نظریه‌ای بومی جهت تحلیل و تبارشناختی تهدیدات داعش در جهان اسلام است. بنابراین، این پرسش مطرح است که تهدیدات گروه تروریستی - تکفیری داعش در جهان اسلام بر اساس چه نظریه و یا سازوکاری قابل تجزیه و تحلیل است؟ ضرورت پاسخ به پرسش مطروحه از آن روست که شناخت دقیق الگوی رفتاری داعش در جهان اسلام براساس یک نظریه بومی، خطاً وصل منافع جریان قدرت در نظام بین‌الملل (اسلام‌هراسی، تفرقه بین مسلمانان و...) با جریان محافظه‌کارانه را قطع می‌کند. به باور نگارنده نظریه نظام سلطه آیت‌الله خامنه‌ای از این ظرفیت برخوردار است که تهدیدات داعش در جهان اسلام را از حیث ریشه‌ها، علل، روش و هدف تحلیل و به عبارتی بهتر تبارشناسی نماید. کارایی نظریه نظام سلطه در این ارتباط منوط به تحلیل ناکارآمدی دیگر نظریه‌های (امنیتی) مربوط است. لذا بنیان بحث پژوهش حاضر، در تقابل دو گونه نظریه‌های محافظه‌کار و تجدیدنظر طلب در تبارشناسی تهدیدات داعش در جهان اسلام گذاشته شده است.

### روش پژوهش

روش اصلی تحقیق حاضر؛ قیاسی و رویکرد آن انتقادی و تحلیلی است. نوع این پژوهش؛ نظری می‌باشد. شیوه گردآوری اطلاعات؛ کتابخانه‌ای و اسنادی است و ابزارهای گردآوری داده‌ها؛ فیش‌برداری خواهد بود. روش تجزیه و تحلیل داده‌ها نیز کیفی است.

### سنجش تبار تهدیدات داعش از منظر مکاتب امنیتی غیربومی روابط بین‌الملل

در این بخش در راستای هدف اصلی پژوهش، به سه نظریه و مکتب امنیتی غربی که نسل‌های متفاوتی در مطالعات امنیتی هستند، پرداخته خواهد شد. از این‌رو اصول و سازه‌های نئورئالیسم به‌عنوان نماینده مطالعات امنیتی جریان اصلی، مکتب کپنهاگ به‌مثابه نماینده مطالعات امنیتی میانه و مکتب پاریس به‌عنوان نماینده مطالعات امنیتی پست‌پوزیتیویستی در سنجش تبار تهدیدات داعش جهان اسلام، بررسی می‌گردد.

#### نئورئالیسم

مکاتب واقع‌گرایی سنتی و نئورئالیسم از اصلی‌ترین دیدگاه‌های مطرح در رهیافت پوزیتیویسم هستند. نگرش‌های واقع‌بینانه، شناخت را امری «ثابت» و حقایق را امری «مطلق» می‌انگارند. در مقوله امنیت نیز دیدگاه آنها مبتنی بر این پیش‌فرض فلسفی است که انسان، بالفطره موجودی شرور، قدرت طلب و بدبین است. نیاز بشر به زندگی جمعی با هدف افزایش امنیت، در نهایت منجر به ایجاد نهادی به‌عنوان دولت شد که از آن پس به‌عنوان تنها «مرجع کارگزار امنیت» معرفی شد (عسگری، ۲۰۰۳: ۳۹۰).

از این حیث، به گفته عسگرخانی و رحمتی «روابط بین‌الملل به‌منزله یک رشته علمی عمدتاً تحت سلطه واقع‌گرایی و نئورئالیسم و مبتنی بر نگرش پوزیتیویستی بوده است» (عسگرخانی و رحمتی، ۲۰۱۰: ۲۱۴). نصری می‌نویسد: «مفروضه‌های نئورئالیسم، تفاوتی جوهری با مفروضه‌های رئالیسم ندارد و حتی می‌توان

گفت که سازه‌های این دو نظریه به شدت (و نه کاملاً) مشترک است» (نصری، ۲۰۰۷). قیصری نیز بر این اعتقاد است که در نگرش نئورئالیسم، اجتناب‌ناپذیری ناامنی نه از ماهیت و طبیعت انسان بلکه از پویایی‌های نظام بین‌الملل، نشأت می‌گیرد (قیصری، ۲۰۱۴: ۳۴). بنابراین، نئورئالیسم نظریه‌ای در سطح تحلیل کلان است که رویکردی «برون به درون»، به نتایج بین‌المللی و سیاست خارجی دارد. نئورئالیسم، نظریه‌ای نظام‌مند است که مهم‌ترین عامل تعیین‌کننده سیاست بین‌الملل و به تبع آن رفتار کشورها در عرصه بین‌المللی را نظام بین‌الملل ویژگی‌های آن به‌ویژه ساختار آنارشیک آن تلقی می‌کند (دهقانی فیروزآبادی، ۲۰۱۲: ۲؛ دوروتی<sup>۱</sup> و فالتزگراف<sup>۲</sup>، ۲۰۰۵). به گفته ساعی و علیخانی والتس به تعریف ساختار سیاسی می‌پردازد و بعد از تعریف ساختار داخلی نشان می‌دهد که چگونه این تعریف در سیاست بین‌الملل کارکرد دارد. وی در ابتدا اجزای تعریف‌کننده سیاست داخلی را مشخص کرده و سپس کاربرد این اجزاء این تعریف‌کننده را در سیاست بین‌الملل توضیح می‌دهد. از دیدگاه والتس یک ساختار سیاسی داخلی سه عنصر اساسی دارد که عناصر تعریف‌کننده ساختار هستند. این عناصر عبارتند از: (۱) اصل نظم‌دهنده، یعنی اصلی که (ساختار) به مقتضای آن سامان می‌یابد؛ (۲) واحدها و اجزای متفاوت و ویژگی کارکرد آنها و (۳) توزیع توانایی‌ها در میان و امتداد واحدها (ساعی و علیخانی، ۲۰۱۳: ۱۰۷).

از نظر کنت والتس نظام بین‌الملل ساختار دقیقاً تعریف شده‌ای دارد که در آن می‌باید به سه موضوع اصلی یعنی: اصل نظم‌دهندگی، ویژگی واحدهای موجود در نظام و کیفیت توزیع توانایی‌های واحدها توجه داشت. اصل سازمان‌دهنده در جوامع داخلی، سلسله‌مراتبی و در نظام بین‌الملل، آنارشی است. یعنی این نظام فاقد مرجع اقتدار مرکزی است. در نتیجه محیط بین‌الملل خودیاری<sup>۳</sup> است؛ به این معنا که چون دولتی وجود ندارد که امنیت دولت‌ها را تأمین کند، همه فقط می‌توانند به قدرت خود برای تأمین امنیت تأکید کنند (مشیرزاده، ۲۰۱۲: ۱۴۱). همان‌طور که قوام می‌گوید: در ارتباط با ویژگی واحدهای نظام باید گفت از نظر نئورئالیست‌ها تمام دولت‌های موجود در نظام بین‌الملل از لحاظ کارکردی به واسطه وجود فشارهای ساختاری، در وضعیت مشابهی به سر می‌برند. بدین ترتیب نبود اقتدار مرکزی باعث تحمیل نظم و روشی به دولت‌ها می‌شود. از جمله این که همه دولت‌ها باید قبل از هر چیز برای بقای خویش به دنبال حفظ امنیت باشند (قوام، ۲۰۱۴: ۸۹). توزیع توانایی‌ها سومین عنصر شکل‌دهنده ساختار است. در این راستا واحدهای نظام بین‌الملل از بُعد کارکردی از یکدیگر متمایز نیستند بلکه آنچه که سبب تمایز آنها می‌شود، میزان توانایی آنهاست. توزیع توانایی‌ها نتیجه ساختار بین‌المللی و عملکرد آن است. بنابراین، توزیع توانایی‌ها یک مفهوم سطح تحلیل سیستمی است (قاسمی، ۲۰۱۲: ۹۱).

جدای از تعاریفی که از امنیت موجود است، می‌توان امنیت نئورئال را ترکیبی از بسته امنیت ملی و امنیت بین‌المللی دانست (اقارب‌پرست و شجاعی، ۲۰۱۶: ۱۴۵). نئورئالیسم سرشت نظام بین‌المللی را نقطه عزیمت

1. Duerotti  
2. Pfaltzgraff  
3. Self-help

خود می‌داند. آناژسی در نظام بین‌المللی به معنای این است که هر یک از واحدهای تشکیل‌دهنده نظام، مسئول امنیت خود هستند و هر دولت آزاد است هر طور که مناسب‌تر می‌بیند، به تعقیب اهداف داخلی و خارجی خود همت گمارد. در عین حال اهداف و منافع دولت‌ها لزوماً با هم همسو نیستند. تعارض در منافع به تعارض در اقدامات منجر می‌شود. این تعارض‌ها ممکن است از طریق مصالحه حل شوند و یا به مرحله توسل به زور برسند. بنابراین، دولت‌ها برای این که از امنیت برخوردار شوند، باید همگی پیوسته آماده باشند تا زور را با زور پاسخ گویند. جنگ‌ها و امکان همیشگی وقوع جنگ نظام بین‌المللی را به همان وضعی می‌رساند که هابز «جنگ همه با همه» می‌خواند (تریف و همکاران، ۲۰۰۴: ۱۲۸). بنابراین، دولت‌ها همواره به دنبال افزایش قدرت برای تأمین امنیت خود هستند. بنابراین، به گفته قیصری بین نظام بین‌الملل و سیاست‌گذاری امنیتی همیشه رابطه علی برقرار است. به همین علت در نظریه‌های سنتی، امنیت ماهیتاً کیفیتی مادی است. از نظر این مکتب، دولت‌ها همواره به مثابه مرجع اصلی امنیت، همواره با ناامنی مواجه‌اند و در تلاش برای افزایش قدرت برای رفع این معضل هستند (قیصری، ۲۰۱۴: ۳۴).

#### کاستی‌های نئورئالیسم در علوم امنیتی

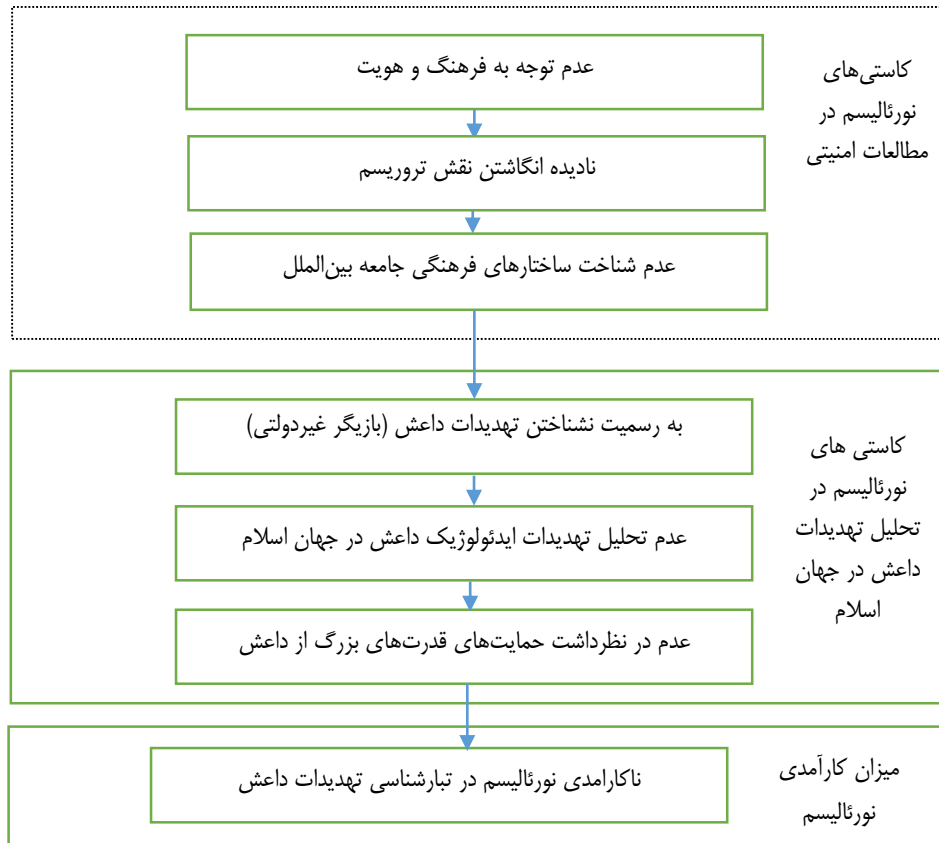
نکته قابل ذکر این است که نقد مکاتب امنیتی بر اساس برخی از دیگر مطالعات امنیتی، می‌تواند مقدمه‌ای برای نقد این مکاتب در کاربست آنها در تحلیل تهدیدات داعش در جهان اسلام باشد. لذا دغدغه اصلی نویسنده نقد این مکاتب به صورت مجزا نیست؛ چرا که هدف اصلی تحقیق، نقد نظری مکاتب امنیتی فوق‌الذکر نمی‌باشد. به اعتقاد پست‌پوزیتیویست‌ها بالاخص اندیشمندان مکتب کپنهاگ، دولت نمی‌تواند مرجع مناسبی برای امنیت باشد. بوزان و ویور معتقدند جامعه باید مرجع اصلی امنیت باشد. در مکتب کپنهاگ از شیء گشتگی موضوع امنیت در بخش‌های زیست‌محیطی، اقتصادی، اجتماعی و سیاسی در داخل موجودیت‌های از پیش داده شده دفاع می‌شود. دیتر مالک<sup>۱</sup> نیز تعریف گسترده‌ای از امنیت به دست می‌دهد که کل جامعه و تمام ابعاد را دربر می‌گیرد (یزدانی و خدابنده، ۲۰۱۱: ۱۷۰). نئورئالیسم به خاطر توجه مفرط به ساختارها از مبنای اجتماعی و محدودیت‌های اجتماعی قدرت غفلت کرده است؛ برخلاف دیدگاه نئورئالیسم باید گفت که نمی‌توان قدرت را به توانایی‌ها تقلیل داد. قدرت افزون بر این، از عوامل روان‌شناختی، مانند روحیه عمومی و رهبری سیاسی، از عوامل موقعیتی و میزان وفاق‌آمیز یا منازعه‌آمیز بودن چهارچوبی که قدرت در داخل آن اعمال می‌شود نیز، تشکیل یافته است (مؤمنی و عصاریان‌نژاد، ۲۰۱۰: ۲۱۰). قیصری نیز به نقل از اسنایدر می‌نویسد: «نظریه نئورئالیسم والتسی با معضل تئوریک روبروست: اینکه چگونه ماهیت هرج و مرج‌گونه نظام بین‌الملل به‌طور خودکار متجاوز را سرکوب می‌کند؟» دیگر اینکه این نظریه برای سیاست خارجی نظریه روشنی ندارد (قیصری، ۲۰۱۴: ۳۴).

همچنین یزدان‌فام می‌نویسد: «در عین حال، نظریه رئالیسم و نئورئالیسم، به دلیل ناتوانی در پیش‌بینی پایان جنگ سرد و فروپاشی شوروی در اثر دگرگونی‌های داخلی، به شدت مورد انتقاد قرار گرفتند. نظریه‌های

جدید رئالیست‌ها را به بی‌توجهی به ساخت دولت و عوامل درونی تأثیرگذار بر رفتار آن متهم کردند. این اتهامات با رشد فزاینده جهانی شدن و ظهور بازیگران فراملی و فروملی که تلاش می‌کنند خود را از چنبره حاکمیت دولت‌ها بیرون بکشند، سرعت بیشتری گرفت. به‌علاوه منتقدین نئورئالیسم تأکید دارند که توزیع قدرت در عرصه بین‌المللی، قادر به تبیین متغیرهای جنگ و صلح نیست... اکنون با توجه به تروریسم غیردولتی و نقش اساسی آن در ایجاد ناامنی در جهان، پرسش مهم این است که آیا رئالیسم و نئورئالیسم با آن پیش‌فرض‌های خود در مورد دولت قادر به توصیف، تبیین و پیش‌بینی موضوعات و مسائل امنیتی جهان امروز خواهد بود؟» (یزدان‌فام، ۲۰۱۲: ۷۳۲-۷۳۱).

#### کاستی‌های نئورئالیسم در تحلیل تهدیدات داعش در جهان اسلام

ایرادات و انتقاداتی که اندیشمندان روابط بین‌الملل به نظریه نئورئالیسم وارد می‌کنند دستمایه تأمل و تدبر در این دغدغه شده است که نئورئالیسم نمی‌تواند مبنای نظری مناسبی برای انجام این تحقیق باشد. همان‌طور که اشاره شد نئورئالیسم به جهت این که عمدتاً دولت را مرجع امنیت می‌داند، از تحلیل تهدیدات غیرعینی و به عبارتی دیگر تهدیدات غیرملموس مانند تهدیدات فرهنگی و اجتماعی باز می‌ماند. از سویی، در مطالعات امنیتی نئورئالیسم، گرچه به ماهیت آنارشیک نظام بین‌الملل و نوع آن (دوقطبی، سلسله‌مراتبی و ...)، اهمیت محوری داده شده است، اما از تحلیل بنیان‌های جامعه‌شناسانه و تبارشناسانه آن غفلت شده است. کاربست تحلیل تبارشناسانه اصول نظام حاکم بر روابط بین‌الملل، کمک شایانی به تحلیل تهدیدات منطقه‌ای و فرهنگی داعش در جهان اسلام نمی‌کند. همچنین، اگر نگارنده در این تحقیق نئورئالیسم را مبنای نظری تحلیل خود قرار دهد ناچاراً (به جهت مفروضات روشی پوزیتیویستی تهدیدشناسی نئورئالیسم)، عمدتاً باید تهدیدات نظامی داعش و مشتقات حاصل از آن در جهان اسلام مدّ نظر قرار گیرد. این در حالی است که جنگ نظامی داعش علیه برخی از کشورها نظیر ایران در پیشینه موضوع جایگاهی خاصی ندارد. بدین ترتیب در عین این که در نگاه اول، سرشت تهدیدات داعش در جهان اسلام شاید ساده به نظر رسد، اما تحلیل علمی آنها مستلزم پیچیدگی‌های مختصّ به خود است. در نگاره زیر، ناکارآمدی نئورئالیسم در تبار تهدیدات داعش به تصویر در آمده است.



شکل ۲: ناکارآمدی نورثالیسم در تبارشناسی تهدیدات داعش، منبع: نویسنده

### مکتب کپنهاگ

مکتب کپنهاگ که از برجسته‌ترین طرفداران راه میانه است، از منظر هستی‌شناسانه، دیدگاهی بینابینی به واقعیت؛ توجه به سطوح گوناگون فردی، اجتماعی، ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی؛ تأکید بر نقش کنشگری دولت در عین توجه به سایر بازیگران و تعامل و قوام‌بخشی متقابل ساختار و کارگزار دارد (سعیدآبادی و محروق، ۲۰۱۳: ۱۱۵). ابراهیمی به نقل از بوزان و ویور می‌نویسد: «آنچه به‌عنوان مکتب کپنهاگ در مطالعات امنیتی خوانده می‌شود، بر سه انگاره اصلی متکی است: ۱) «امنیتی کردن»<sup>۱</sup>، ۲) «بخش‌ها»<sup>۲</sup> و ۳) «مجموعه‌های امنیتی»<sup>۳</sup> منطقه‌ای». امنیتی کردن نظریه‌ای است که ۱۹۹۰ به بعد در مکتب کپنهاگ توسعه یافته است. لذا امنیتی کردن، هسته امنیت سنتی را مورد تردید قرار داده و با سیاسی کردن یک

1. securitisation
2. sectors
3. security complexes



مسئله، در پیوند است. بخش‌ها، ارجاعی به تمایز میان امنیت اجتماعی، نظامی، زیست‌محیطی، سیاسی و اقتصادی است و مفهوم مجموعه‌های امنیتی نیز به اهمیت سطح منطقه‌ای در تحلیل امنیت می‌پردازد (ابراهیمی، ۲۰۱۴: ۱۶-۱۵). عبدالله‌خانی می‌نویسد: مفهوم امنیتی کردن در حوزه مطالعات امنیتی توسط ویور برای تشریح یک نظریه امنیتی، به کار گرفته شده است. این مفهوم در درجه اول تأکید دارد که امنیتی ساختن به معنای خروج پدیده‌ها و یا موضوعات از «وضعیت عادی»<sup>۱</sup> به وضعیت فوق‌العاده می‌باشد. لذا امنیتی ساختن به معنای خارج کردن پدیده‌ها و یا موضوعات از حوزه سیاست‌های عادی و وارد کردن آنها به قلمرو امنیتی است (عبدالله‌خانی، ۲۰۰۶: ۴۹۳).

به گفته ابراهیمی فر و منوری شرط مؤثر تحقق ادعاهای مربوط به یک مسئله امنیتی آن است که: اولاً، یک تهدید وجودی توسط یک کنشگر معتبر لحاظ گردد و ثانیاً آن که تهدید مذکور در این شرایط به‌عنوان یک مسئله امنیتی، توسط مخاطبین مورد پذیرش قرار گیرد. کنشگر امنیتی‌ساز تهدیدات و آسیب‌های مذکور را به‌عنوان تهدیدات وجودی یک هدف مرجع مطرح می‌کند. بنابراین مرکز ثقل مکتب کپنهاگ، «امنیتی ساختن» است (ابراهیمی فر و منوری، ۲۰۱۵: ۲۵-۲۴).

همان‌طور که ذکر گردید مکتب کپنهاگ برخلاف نئورئالیسم پنج‌گونه از امنیت را برمی‌شمرد: (۱) «امنیت نظامی» که به توانایی قدرت دفاعی و تهاجمی یک کشور اشاره دارد؛ (۲) «امنیت اقتصادی» که ثبات اقتصادی، تولید انبوه، صادرات متناسب، کافی بودن منابع مالی، تأمین منافع اقتصادی و معیشت مردم را دربرمی‌گیرد؛ (۳) «امنیت سیاسی»، به این معنا که کشور از نظر سیاسی (بیگانگان به جای مردم تصمیم نگرفته و سرنوشت مردم به دست خودشان باشد) و مشروعیت (رژیم حاکم) در خطر نباشد؛ (۴) «امنیت اجتماعی» و فرهنگی که به توانایی یک کشور در حفظ الگوهای اجتماعی و سنتی مانند زبان، سنت، مذهب، آداب و رسوم، نوع پوشش و... اشاره دارد و نهایتاً؛ (۵) «امنیت زیست‌محیطی» که به معنای پایداری محیط زیست و طبیعت جانوری و گیاهی اطراف ماست (رستمی و نادری، ۲۰۱۵: ۱۷۱).

در ارتباط با مجموعه‌های امنیتی منطقه‌ای نصری می‌نویسد: تز اصلی بوزان و ویور، از نظریه امنیت منطقه‌ای بر این فرض استوار است که پایان جنگ سرد آغاز ناامنی‌های بسیار گسترده‌ای را سبب شد که ریشه در محدودیت‌های مکاتب رئالیستی و ابعاد امنیت دارد. بدین ترتیب که مکتب رئالیستی با تلقی دولت به‌عنوان یگانه موضوع امنیت و نیز مکتب جهان‌گرا با تلقی نظام بین‌المللی به‌عنوان یگانه عامل امنیت، از کانون تکوین حرکت‌های اصلی منطقه غفلت کرده‌اند. بنابراین لازم است برای ارائه فهم مناسب از سرشت و سرنوشت امنیت به ساختار منطقه و ویژگی‌های کشورهایی که در منطقه‌ای خاص قرار دارند و از معضلات امنیتی مشابهی برخوردارند، توجه کرد (نصری، ۲۰۰۵: ۵۸۶). از سویی، ابراهیمی بر این باور است که مهم‌ترین بحث شناخت‌شناسی - روش‌شناختی در مورد مکتب کپنهاگ موضع میانه‌ای است که از نظر شناخت‌شناسی می‌توان در آن - جست و جو کرد. یکی از انتقادات مهم بوزان به اثبات‌گرایی رئالیستی

این است که آنان یا بر عنصر مادی امنیت تأکید می‌کنند و یا در مباحث انتزاعی غیرقابل فهم غوطه‌ور شده‌اند. این مکتب خود را گزارشگر بی‌طرف واقعیت مجهول نمی‌داند، بلکه معتقد است که واقعیت تاریخ، شناخت ماست و شناخت ما در جمع شکل می‌گیرد. برخلاف تعبیر اثبات‌گرایی رئالیستی، این مکتب تعامل انسان‌ها و واحدهای سیاسی را صرفاً مادی نمی‌داند و معتقد است که تجربه و مشاهده، روش مناسب و درستی برای تحلیل رفتار انسان‌ها نیست، زیرا اراده‌مند بودن انسان‌ها، مانع از اعتماد به دستاوردهای تحلیل عینی و مادی است (ابراهیمی، ۲۰۰۷: ۴۴۴).

### کاستی‌های مکتب کپنهاگ در مطالعات امنیتی

نصری معتقد است که: مکتب کپنهاگ از حیث گسترش دامنه مطالعات امنیتی؛ و طرح مباحث جدیدی چون خصلت معماگونه امنیت در برخی مناطق؛ ضرورت تحلیل امنیت در سطح منطقه‌ای و مفید بودن امنیتی ندیدین تحولات سیاسی و اجتماعی و بالاخره تلقی جامعه به‌عنوان مرجع مکمل (در کنار دولت) امنیت، نقش ممتازی در پیشبرد مطالعات امنیتی ایفا کرده است. در عین حال، این گام‌ها به معنای درک درست یا صحیح بی‌قید و شرط روش، مفاهیم و توصیه‌های بوزان نیست. بوزان در بحث امنیت جامعه‌ای به‌واسطه بی‌توجهی به نقش دولت در مهندسی اجتماعی، در مبحث سطح تحلیل منطقه‌ای، به دلیل اصرار بر خاستگاه‌های منطقه‌ای بحران‌ها و در مبحث امنیتی دیدن، به خاطر گسترش ناخواسته دامنه امنیتی دیدن مسائل، عملاً به تعمیق تلقی سنتی از امنیت کمک رسانده است (نصری، ۲۰۱۱: ۱۳۲).

در ارتباط با مجموعه‌های امنیتی ابراهیمی به‌طور خاص اشاره دارد: «بوزان و ویور به‌عنوان دو تن از محققان و نویسندگان برجسته مطالعات امنیتی و مدافع نظریه امنیت منطقه‌ای... از استحکام روش شناختی و صحت داوری‌های آن دفاع می‌کنند. توجه به ابعاد این نظریه و مقایسه آن با اوضاع کنونی و مناسبات متداول جهان نشان می‌دهد که سطح تحلیل منطقه‌ای، نقش عناصر فرامنطقه‌ای را در تولید ناامنی دست کم گرفته و عوامل منطقه‌ای را بیش از حد لازم بزرگ جلوه می‌دهد. به گفته خود بوزان بسیاری از جنگ‌های غرب آسیا طی نیم قرن اخیر، ریشه منطقه‌ای نداشتند و قدرت‌های غربی برای تخلیه توانایی‌های منطقه و حل معمای امنیت هر ده سال یک بار یک جنگ در منطقه به راه انداخته‌اند» (ابراهیمی، ۲۰۰۷: ۴۵۴). از این گذشته، در ارتباط با سردرگمی مکتب کپنهاگ نسبت به دولت، در سایر موضوعات نیز کمی درنگ لازم است: دولت‌ها و سازمان‌های شبیه دولت مانند گروه‌های چریکی برای بسیاری از اهداف جمعی، از جمله جنگ‌افروزی و تمهید جنگ، مفید [کافی] هستند. لذا مطالعات امنیتی محتاج به مطالعه دولت، به‌عنوان یک پدیده اجتماعی است. از این حیث، توجه به جایگاه دولت در آثار مکتب کپنهاگ ضروری است. اگرچه «دولت» در این مکتب به‌عنوان «مرجع امنیت» خوانده می‌شود، اما بوزان و دیگران، لزوم ترک دلمشغولی سنتی به دولت را مدنظر دارند (نادسن، ۲۰۰۷: ۱۰۷-۱۰۶). علاوه بر ایرادات فوق، این مسئله شایان ذکر است که نگاه مکتب کپنهاگ به «امنیت» منفی بوده و کمال مطلوب در «غیرامنیتی سازی» است (زارع‌زاده، ۲۰۱۷: ۳۳).

### کاستی‌های مکتب امنیتی کپنهاگ در تحلیل تهدیدات داعش

اگرچه مکتب امنیتی کپنهاگ از ظرفیت‌ها و ظرافت‌های زیادی به منظور تحلیل تهدیدات داعش در جهان اسلام برخوردار است، اما برخی از سازه و مفاهیم آن در این راستا کاستی‌هایی اساسی دارد. همان‌طور که آورده شد مکتب امنیتی کپنهاگ از نقش قدرت‌های بزرگ در تحلیل ناامنی‌های منطقه‌ای غفلت می‌کند. و صرفاً به پویایی‌های تهدیدزا در هر منطقه بدون توجه به ساختار نظام بین‌الملل و اتحادیهایی که در آن متصور است، توجه دارد. از این منظر کاربست مکتب کپنهاگ با توجه به نقش مکمل ایالات متحده، در فرایند تولید تهدیدات داعش در جهان اسلام، تحقیق را با مشکلات عدیده‌ای مواجه خواهد نمود. در واقع مکتب کپنهاگ به علت ژئوپلیتیک زایش خود (همگرایی کشورهای اروپایی) به امنیت دیدی منفی دارد. آن‌طور که ابراهیمی می‌نویسد: مکتب کپنهاگ برخلاف سنت‌گرایان امنیتی، «ابتکار امنیتی» را کلیدی برای مشروعیت بخشیدن به کاربرد زور از سوی دولت در جهت بسیج و قبضه قدرت تلقی می‌کنند (ابراهیمی، ۲۰۱۴: ۱۶). از این حیث، در نقطه مقابل به دلیل ژئوپلیتیک منطقه غرب آسیا و روندهای افزایشی تولید تهدیدات داعش در جهان اسلام، نگاه به امنیت در جهان اسلام باید مثبت و سازنده باشد.

نویسنده بر این اعتقاد است که کاربست مکتب کپنهاگ برای تحقیق حاضر، مستلزم تحلیل تهدیدات پنج‌گانه آن است. این در حالی است که پیشینه تحقیق اولویت چندانی برای تهدیدات زیست‌محیطی داعش در جهان اسلام قائل نیست. در واقع مدعی آن نیستیم که هیچ تهدید خاص زیست‌محیطی از سوی داعش متوجه جهان اسلام نیست؛ بلکه تهدیدات مزبور اهمیتی به اندازه اهمیت سایر تهدیدات پنج‌گانه ندارند. در نگاره زیر، ناکارآمدی مکتب کپنهاگ در تبار تهدیدات داعش به تصویر در آمده است.



شکل ۳: ناکارآمدی مکتب کپنهاگ در تبار تهدیدات داعش، منبع: نویسنده

### مکتب پاریس

یکی از مهم‌ترین این مکاتب مکتب پاریس است. ابراهیمی اشاره دارد که: مکتب پاریس در جامعه شناسی مهاجرت، نظریه پلیسی سازی و نظریه سیاسی ریشه دارد. این مکتب با تأسی از فوکو به طور فزاینده‌ای بسترهای سیاسی و دانشی امنیت را مورد توجه قرار داده است. مکتب پاریس تأکید دارد که نظریه روابط بین‌الملل، با کشیدن خط فاصلی میان قلمرو و امور داخلی و بین‌المللی ساخته شده است. روابط بین‌الملل با مقابل هم قرار دادن این دو جهان، خودش را از نظریه سیاسی و جامعه شناسی سیاسی جدا ساخته و این رشته‌ها به صورت رشته‌هایی جمع‌ناپذیر پرداخت یافته‌اند. از این رو، امنیت را نمی‌توان تنها از منظر روابط بین‌الملل به مطالعه گذاشت (ابراهیمی، ۲۰۱۴: ۲۰-۱۸).

قیصری وجه تمایز این دیدگاه را در تعریف و تبیین امنیت با نظریه رئالیسم در این موضوع تلقی می‌کند که در رئالیسم ابتدا وجود، واقعیتی خارجی در نظر گرفته می‌شود که امنیت به آن ارجاع دارد، اما از منظر مکتب پاریس، امنیت خودارجاع است؛ به این معنا که به جای ارجاع به یک واقعیت عینی خارجی، خود [امنیت]، یک موقعیت امنیتی را شکل می‌دهد. همچنین این مکتب، برخلاف مکتب کپنهاگ که بیشتر بر گفتمان و نقش و تأثیر آن تأکید دارد، بر اهمیت امر واقع و عمل و تجربه (قیصری، ۲۰۱۴: ۳۸)، در مقوله «امنیتی کردن» نیز تأکید می‌کند.

فیروزآبادی و قریشی می‌نویسند: بالزاک مهم‌ترین اندیشمند مقوله «امنیتی کردن» معتقد است؛ تأسیس امنیت از یک سو وابسته به کاربرد زبان و از سوی دیگر مشروط به «بافت» [میدان] است. از این رو، از نظر بالزاک، رابطه کارگزار و بافت، رابطه‌ای یکسویه، همان‌گونه که ویور و اهالی مکتب کپنهاگ می‌پندارند، نیست. زبان به خودی خود، واقعیت را نمی‌سازد که در نتیجه آن بافت متناسب و مقتضی تأسیس گردد، بلکه بافت و شرایط اجتماعی نیز در شکل‌دهی به ماهیت و زبان کارگزار مؤثر هستند (فیروزآبادی و قریشی، ۲۰۱۲: ۲۶). بنابراین، امنیتی کردن به واسطه مفهوم میدان (بافت) که بوردیو و بیگو مروج آن هستند، قابلیت فهم بیشتری دارد.

ابراهیمی معتقد است میدان به‌عنوان روش‌شناسی مکتب پاریس، فضایی اجتماعی است که در آن کارشناسان در تلاش برای درک مناسبات میان کارگزاران امنیت (پلیس، شرکت‌های خصوصی امنیتی و سایر سازمان‌های مخفی فراملی)، فعالیت‌ها، نقش‌ها و موقعیت‌های آنها هستند. در میدان، دو حوزه امنیت داخلی و خارجی در هم ادغام شده است و هرگز کنشگران نتایج نهایی حرکتی را که انجام می‌دهند، درک نمی‌کنند؛ زیرا نتایج به تأثیر میدانی بسیاری از دیگر کنشگران، بستگی دارد. اما آنچه که در بحث میدان اهمیت دارد، این موضوع است که میدان متأثر از مباحث فوکو، تحت تأثیر قدرت - دانش و به عبارتی بهتر امنیت - دانش است (ابراهیمی، ۲۰۱۴: ۲۴-۲۰). فوکو معتقد است که قدرت و دانش، مستقیماً بر یکدیگر دلالت می‌کنند و هیچ رابطه‌ی قدرتی بدون تشکیل حوزه‌ای از دانش متصور نیست و هیچ دانشی هم نیست که متضمن روابط قدرت نباشد. علوم انسانی به‌عنوان جزئی از فرآیند اعمال قدرت و اعمال سلطه بر انسان، چگونگی شکل‌گیری گفتمان‌های مختلف را در بستر روابط قدرت مورد تبیین قرار می‌دهند (لوکس، ۱۹۹۱:

۳۳۹). لذا رابطه قدرت- دانش / امنیت بحث معرفت‌شناسی مکتب پاریس را شکل می‌دهد. به عبارت دیگر مکتب پاریس، تا حدود زیادی سویه بدبینانه به امنیت داشته و با زبان فوکویی سوژگی فرد را در تعریف امنیت نادیده می‌گیرد. در مکتب پاریس، سوژه امنیت، قربانی دسیسه سیاست‌های دولت می‌شود. از دید مکتب پاریس پلیسی کردن عدم امنیت که با دانش متخصصین امنیت پیوند خورده است؛ حالتی از حکومت‌گری است که به ترسیم خطوط ترس و ناامنی در دو سطح فردی و جمعی می‌پردازد. لذا مکتب پاریس بر آزادی مهاجرت افراد داخل اتحادیه اروپا و بی‌ثبات شدن حاکمیت ملی و مرزها به‌عنوان کانون کنترل و نیز رابطه آزادی و امنیت، انگشت گذاشته است. این مکتب از روند ضد امنیتی کردن به‌عنوان حرکتی در جهت کنترل جمعیت‌های مهاجر یاد می‌کند (ابراهیمی، ۲۰۱۴: ۱۹).

#### کاستی‌های مکتب پاریس در مطالعات امنیتی

علی‌رغم آن که مکتب پاریس به مبحث دانش- قدرت/ امنیت اشاره می‌کند، اما به وضوح در ارتباط با نقش دولت‌ها در ایجاد ناامنی سخن نمی‌گوید. شاید مهم‌ترین دلیل این مطلب، خاستگاه جامعه شناختی مکتب پاریس است. مکتب پاریس همانند اهالی کپنهاگ به امنیت دیدی بدبینانه دارد و از روندهای ضد امنیتی کردن استقبال می‌کند. اما مهم‌ترین ایرادی که به مکتب پاریس از نظر نگارنده وارد است این موضوع است که امنیت سرشت و سرنوشت واحدی نداشته و با توجه تحولات میدان و یا بافت تغییر می‌کند. این مهم سبب می‌شود تا خطاً بطلانی بر روابط علی و معلولی در مطالعات امنیتی کشیده شود. ضمن این که این مهم کاملاً مغایر با مبحث دانش- امنیت (حاکم بودن روابط علی و معلولی بر این گزاره) است. ابراهیمی نیز به نقل از بوث می‌نویسد: «تمرکز مکتب پاریس بر کشمکش‌های درون میدان، منافع بسیاری از غیرمتخصصین که شامل گرسنگان و مظلومان است را نادیده می‌گیرد. در نتیجه کنش‌های مقاومت درون یک میدان با میدان‌های متفاوت شکل می‌گیرد؛ به‌عنوان نمونه قضات در برابر متخصصین امنیت» (ابراهیمی، ۱۳۹۳: ۲۶).

#### کاستی‌های مکتب پاریس در تحلیل تهدیدات داعش

مهم‌ترین کاستی نظری مکتب پاریس، مشخص نبودن مصادیق تهدید است. به هر روی صرف اکتفا به مبحث امنیتی کردن از این دیدگاه، از مقبولیت کافی برخوردار نیست. از طرفی، بی‌ثباتی در مصادیقی نظیر سست شدن حاکمیت ملی و رابطه آزادی و امنیت، با مختصات تهدیدات داعش در جهان اسلام همخوانی ندارد و در چارچوب دغدغه‌های امنیتی اروپا می‌گنجد. مکتب پاریس، از حیث هستی‌شناسی به درستی مشخص نمی‌کند که امنیت جامعه چیست؟ به سخن دیگر تهدیدات داعش برای امنیت جهان اسلام از چه روندهایی می‌تواند تبعیت می‌کند؟ و این تهدیدات در اثر چه فرایندهایی شدت و حدت می‌یابد؟ همچنین، مبحث دانش - قدرت کارایی چندانی در تحلیل تهدیدات داعش در جهان اسلام ندارد. به‌عبارتی بهتر تهدیدات برخاسته از مختصات قدرت داعش به‌صورت مستقل، برخلاف تهدیدات نظام بین‌الملل، در جهان اسلام، گفتمان‌ساز نبوده است. و در این راستا حداقل در طول تهدیدات قدرت‌های بزرگ مبادرت به کنشگری

و امنیتی کردن نموده است. از حیث روش‌شناسانه مفهوم میدان، مفهومی پیچیده و گنگ است. مشخصاً، تحلیل‌های نویسنده در بررسی‌های روش‌شناسانه به علت تأثیر میدان‌های بی‌شمار تهدیدات داعش بر روی یکدیگر، عملاً با ناکارآمدی مواجه می‌شود. به تبع این موضوع، مرز بین کارگزاران امنیتی و مراجع امنیت نیز از بین خواهد رفت. در نگاره زیر، ناکارآمدی مکتب پاریس در تبار تهدیدات داعش به تصویر در آمده است.



شکل ۴: ناکارآمدی مکتب پاریس در تبار تهدیدات داعش، منبع: نویسنده

سیری در مطالعات امنیتی غیربومی نشان می‌دهد که در این نظریه‌ها و مکاتب به سه دلیل ریشه، روش و اهداف تهدیدات داعش (تبار) مشخص نیست. به اعتقاد نویسنده اولاً جهان‌بینی این نظریه‌ها به علت غیربومی بودن با منافع زادگاه خود (غرب) پیوند خورده و از دغدغه و اولویت‌های امنیتی جهان اسلام مغایر است. ثانیاً مکاتب مزبور، به دلیل واهمه محرومیت از طرح، ارائه و ترویج نمی‌توانند بافتار ایدئولوژیک،

فرهنگی و سیاسی نظام بین‌الملل را مشخص کنند. ثالثاً، مکاتب فوق به سبب ریشه داشتن در اومانیسیم، خواستار تبارشناسی تهدیدات داعش در مجموعه امنیتی جهان اسلام نیستند.

### سنجش تبار تهدیدات داعش در نظریه نظام سلطه

با توجه با آنچه که گذشت نگارنده با پردازش نظریه نظام سلطه با هدف پوشش نقاط ضعف مکاتب امنیتی یادشده، مترصد تبارشناسی تهدیدات داعش در جهان اسلام است.

#### نظریه نظام سلطه

آیت‌الله خامنه‌ای نظام حاکم بر سیاست بین‌الملل را از دورانی که مسئله استعمار در دنیا آغاز شد، (قرن نوزدهم) «نظام سلطه» می‌داند (امام خامنه‌ای مدّله‌العالی، بیانات رهبر انقلاب در دیدار مداحان اهل‌بیت علیهم‌السلام، ۲۴/۰۶/۲۰۰۸). از دید ایشان در کلیت نظام سلطه نظم‌های متفاوت بین‌المللی (نظم دوقطبی، تک‌قطبی و ...) شکل گرفته است. رهبران هر یک از دو قطب با تقسیم دنیا به دو منطقه مجزا، درصد حفظ نظام سلطه در مجموعه خود بودند (امام خامنه‌ای مدّله‌العالی، بیانات در دیدار جمعی از دانش‌آموزان و دانشجویان، ۱۱/۰۱/۱۹۹۵). از منظر ایشان نوع نظم حاکم بر سیاست بین‌الملل، بر جوهره و ماهیت ساختار آن تأثیر بسزایی ندارد.

جوهره اصلی نظام سلطه «زور» است. در نظام سلطه مشروعیت و مقبولیت معنی ندارد و از کارکرد حدّاقلی برخوردار است و سلطه‌گران به پشتوانه زور سلطه خود را بدون در نظر داشت اصول اخلاقی بر دیگران تحمیل می‌کنند (امام خامنه‌ای مدّله‌العالی، بیانات در دیدار اقشار مختلف مردم سراسر کشور، ۲۰۰۶). مقام معظم رهبری با توجه به نقش و قدرت کشورهای بزرگ در نظام بین‌الملل معتقدند، ساختار نظام بین‌الملل تحت تأثیر بازی قدرت‌های استکباری یک «نظام جهانی» است. نویسنده معتقد است مفهوم نظام جهانی بدین معناست که اغلب بازیگران روابط بین‌الملل در فرآیند سلطه درگیرند و سلطه‌گری و سلطه‌پذیری، نظم بین‌المللی را شبکه‌بندی نموده است. پس از دید ایشان «نظام سلطه بر دنیا و زندگی بشر، دو طرف دارد. یک طرف، سلطه‌گرها که همان ابرقدرت‌هایند، و طرف دیگر، دولت‌های سلطه‌پذیر هستند که دخالت‌های... ابرقدرت‌ها را قبول می‌کنند» (ستوده، ۲۰۰۶).

در اندیشه سیاسی آیت‌الله خامنه‌ای فضای حاکم بر نظام بین‌الملل از «قانون جنگل» و نظامی «غیر انسانی» «برخلاف فطرت انسان» تبعیت می‌کند. در این فضای «حکومت قلدرانه و خودکامانه» «منافع» مهم‌ترین موتور محرکه سلطه‌گری است. صرف اهمیت «منافع»، رفتار نظام سلطه را بدون توجه به مشروع و نامشروع بودن آن، تعیین می‌کند. در واقع رفتار نظام سلطه در اغلب اوقات، «غیر انسانی»، «برخلاف فطرت انسان» و برخلاف «پیمان‌های بین‌المللی» است. سلطه‌جویی از دو طریق مخفیانه و آشکار انجام می‌شود. «نظام سلطه، زمانی سلطه‌جویی‌های خود را مخفیانه انجام می‌دهد؛ زمانی هم با صراحت و وضوح اعلان می‌کند که فلان سازمان، دولت، جمعیت یا حرکت، با منافع ما تضاد داشته است» و گاه با طرف

مقابل به درگیری نامشروع نظامی می‌پردازد. «سلطه‌پذیری»، مبنای پذیرش دولت‌ها در نظام جهانی سلطه است. بنابراین، در نظام سلطه رعایت «حقوق بشر»، «دمکراسی» «عادل» بودن و ... جایگاهی در مناسبات نظام بین‌الملل از حیث تعیین‌کنندگی ندارد (امام خامنه‌ای مدظله‌العالی، بیانات در دیدار جمعی از دانش‌آموزان و دانشجویان، ۱۹۹۵/۱۱/۰۱). از دید مقام معظم رهبری، در شبکه نظام سلطه، سلطه‌پذیر از مزایای نظام جهانی به اندازه سلطه‌گر برخوردار نیست و حفظ قدرت سلطه‌گر در گرو «قدرت طلبی»، «انحصارطلبی»، «تحمیل دیدگاه خود بر دیگران» و «مبارزه با حرکت‌های ضد سلطه» است.

در دنیا استکبار جهانی و تفکری که بر استکبار جهانی و بر گروه‌هایی که تابع آنهاست حاکم است «تفکر قدرت» است، اصلاً برای ملتی که قدرت نداشته باشد حق حیات قائل نیست. برای ملت‌های جهان سوم ... هیچ حق حیاتی قایل نیستند... بدون ... کمترین اعتنایی به نظر آنها... برایشان تصمیم می‌گیرند (ستوده، ۲۰۰۶). سلطه‌گر از پیشرفت علمی و اقتصادی ملت‌های دیگر جلوگیری به عمل می‌آورد و در صورت تحقق پیشرفت‌های ملل دیگر آنها را به واسطه انواع مجازات‌ها نظیر تحریم، تنبیه می‌کند (امام خامنه‌ای مدظله‌العالی، بیانات در مراسم دانش‌آموختگی دانشجویان دانشگاه علوم انتظامی، ۲۰۱۷/۰۹/۱۷). همچنین، مجامع تصمیم‌گیری نظام سلطه نظیر «دولت‌ها»، «تصمیم‌گیران»، «تصمیم‌سازان»، «اتاق‌های فکر» طوری برنامه‌ریزی می‌کنند که بازیگران روابط بین‌الملل، جهان را تنها از منظر آنها ببینند (امام خامنه‌ای مدظله‌العالی، بیانات در دیدار رئیس و اعضای مجلس خبرگان رهبری، ۲۰۱۵/۰۹/۰۳). مبارزه با رژیم‌های انقلابی و سرنگونی آنها یکی دیگر از اهداف سیاسی نظام سلطه در جهت بقا و تداوم است. ایشان در این باره می‌فرمایند: «نظام سلطه به میل خود انقلاب‌ها را نفی و برای رژیم‌های انقلابی، اشکال‌تراشی می‌کند»؛ زیرا وجود حکومت‌های انقلابی و مردمی مانع و سدی است که جلو زیاده‌طلبی و زورگویی سلطه‌جویان را می‌گیرد (ستوده، ۲۰۰۶). در نگاره زیر سعی شده است مؤلفه‌های نظام سلطه به تصویر در آید.



نظام سلطه، یعنی این‌که کسی در دنیا به اتکای سر نیزه و زور، قلدری بکند و شرم نکند و دیگران هم قلدری او را تحمل کنند.

شکل ۵: مؤلفه‌های نظام سلطه در دیدگاه امام خامنه‌ای، منبع: نویسنده



### کارکردهای نظریه نظام سلطه در تحلیل تهدیدات داعش

با مشخص شدن جوهره، مؤلفه‌ها و ابعاد سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و ... نظام سلطه در اندیشه رهبر معظم انقلاب اسلامی، در ادامه به مهم‌ترین کارکردهای نظریه نظام سلطه در تحلیل تهدیدات داعش در جهان اسلام خواهیم پرداخت.

#### تبیین هویت بازیگران نظام حاکم بر سیاست بین‌الملل (سلطه)

مقام معظم رهبری با ذکر مصداق‌های متعدد برای اجزای شبکه نظام سلطه، مهم‌ترین سلطه‌جویان در سیاست جهان را ایالات متحده آمریکا و رژیم صهیونیستی می‌داند. از نظر مقام معظم رهبری رژیم آمریکا از ابتدای تأسیس به معنای واقعی کلمه «بحران‌ساز»، «جنگ‌آفرین» و سلطه‌جوست. ریشه این موضوع را باید در تلاش آمریکا برای حفظ و ایجاد و کسب منافع بدون رعایت حقوق سایر بازیگران بین‌المللی از جمله ملت‌ها و کشورهای تجدیدنظرطلب دانست (امام خامنه‌ای مدظله‌العالی، بیانات در دیدار فرماندهان و کارکنان نیروی هوایی ارتش، ۲۰۱۹/۰۲/۰۸). همچنین در اندیشه رهبری به موانع و منافع نظام سلطه نیز اشاره شده است.

#### تبیین منافع و موانع نظام سلطه

در شبکه اندیشه سیاسی حضرت آیت‌الله خامنه‌ای، منافع و موانع نظام سلطه نیز مشخص است. همچنین همان‌طور که آورده شد از نظر ایشان نوع نظم حاکم بر نظام بین‌الملل، بر ماهیت ساختار آن (کسب منافع) تأثیر چندانی ندارد. ایشان در این ارتباط می‌فرماید:

«آنچه مسلم است، این است که یک نظام سلطه‌ی جهانی وجود دارد که امروز در رأس آن، رژیم آمریکاست. در گذشته دیگرانی بودند، ممکن است در آینده هم قدرت‌های دیگری باشند. امروز آمریکا منافع خودش را در دنیا تعریف کرده - پنهانی هم نیست... منافع آنها عبارت است از ایجاد دنیای یک قطبی؛ یعنی در رأس مجموعه‌ی کشورهای عالم، دولتی به نام دولت آمریکاست و در بدنه، انواع و اقسام دولت‌ها هستند؛ بعضی دارای قدرت علمی و پیشرفت‌های علمی و دارای توان نظامی‌اند؛ باید با آنها به نحوی ساخت و در معارضه‌ی با آنها، منافع آنها را بر منافع خود ترجیح داد - این تحلیل آمریکایی است - دولت‌هایی هم هستند که از اقتدار نظامی یا اقتدار اقتصادی برخوردار نیستند؛ اسم‌هایی برای آنها گذاشته می‌شود: کشورهای در حال توسعه، کشورهای - در اصطلاح قبلی - جهان سوم. از همه‌ی فرصت‌های اینها که می‌توان برای توسعه اقتدار آمریکا استفاده کرد، باید استفاده کرد. اگر به انرژی آنها احتیاج داریم - نفت آنها، گاز آنها - باید راه را به سمت نفت و گاز آنها به هر کیفیتی باز کرد. اگر به بازار مصرف آنها احتیاج داریم، به هر کیفیتی که ممکن است، باید این راه را به سوی بازار مصرف آنها باز کرد. اگر به حضور سیاسی و اقتصادی در میان آنها نیاز است، باید این راه را گشود. اگر دولت‌های مزاحمی در آن کشورها بر سر کارند، باید آن دولت‌ها را کنار زد. اگر اندیشه‌های مزاحمی در آن کشورها وجود دارد، باید آن اندیشه‌ها را از فضای ذهنی جامعه زدود. اگر شخصیت‌هایی در آن کشورها هستند که می‌شود آنها را خرید، باید خرید. اگر نیروهایی در آن کشورها هستند که می‌شود از آنها به‌عنوان نیروی فشار علیه

دولت‌هایی که با این سیاست مخالفند، استفاده کرد، باید خرج کرد و به کار برد. این سیاست استکباری است. ... البته امروز ابزارها مدرن تر و وسایل پیشرفته‌تر شده است (امام خامنه‌ای مدظله‌العالی، بیانات در دیدار جمعی از جوانان استان اردبیل، ۲۶/۰۷/۲۰۰۰).

### تبیین ابزارهای نظام سلطه

مقام معظم رهبری، استفاده سو از حقوق بشر، علم و فن‌آوری، سازمان‌های بین‌المللی (ستوده، ۲۰۰۶) و تروریسم و افراط‌گرایی از ابزارهای اصلی نظام سلطه برمی‌شمرند. در این ارتباط ایشان درگیری‌های خشن در کشورهای منطقه غرب آسیا و ایجاد گروه‌های تروریستی همچون داعش را نتیجه دخالت نظام سلطه در منطقه (امام خامنه‌ای مدظله‌العالی، دیدار رئیس‌جمهوری اسلونی با رهبر انقلاب، ۲۲/۱۱/۲۰۱۶) به علت رشد و پیشرفت مقاومت اسلامی در برابر نظام سلطه می‌داند.

امروز منطقه‌ی ما منطقه‌ی ناامنی است. این به‌خاطر چیست؟ اولاً به‌خاطر دخالت شیطنت‌آمیز قدرت‌های سلطه‌گر است؛ دخالت آمریکا، دخالت صهیونیسم. از هر وسیله‌ای برای نفوذ، برای تأمین منافع نامشروع خود، برای تضعیف ملت‌ها، برای نابودکردن رشادت‌ها و اقتدارهای ملی استفاده می‌کنند: یک روز داعش را به‌وجود می‌آورند و آن وقتی که با همت [نیروهای] مقاومت، با همت جوانان مؤمن، داعش و امثال داعش نفس‌های آخر را می‌کشند، دنبال راه‌های خباثت‌آمیز دیگری می‌روند. امروز نقش آمریکا این است ... (امام خامنه‌ای مدظله‌العالی، بیانات در مراسم دانش‌آموختگی دانشجویان دانشگاه علوم انتظامی، ۱۷/۰۹/۲۰۱۷).

### تبیین اهداف و موانع نظام سلطه در مجموعه امنیتی جهان اسلام

رهبر معظم انقلاب بخش مهمی از مقاصد نظام سلطه در منطقه غرب آسیا را «تقویت پایگاه استکباری رژیم صهیونیستی» «تصرف همه‌ی منافذ و منابع قدرت در منطقه» اعمال نفوذ بر دولت‌ها و ملت‌ها و نهایتاً فرمانروایی بر منطقه، ارزیابی می‌کنند. همچنین از نظر ایشان مهم‌ترین مانع تحقق اهداف نظام سلطه در منطقه «انقلاب اسلامی»، «اسلام انقلابی» و «ایمان دینی» است (امام خامنه‌ای مدظله‌العالی، بیانات در دیدار ائمه جماعات مساجد استان تهران، ۲۱/۰۸/۲۰۱۶).

### تبیین راهبرد علیه نظام سلطه و ابزارهای آن در مجموعه امنیتی جهان اسلام

اندیشه سیاسی و امنیتی توحید پایه مقام معظم رهبری بر ضرورت مقاومت در برابر نظام سلطه و ابزارهای آن در منطقه تأکید می‌کنند.

«نفس وجود جمهوری اسلامی یعنی آرمان‌ها و اهداف و شعارهایی که در جمهوری اسلامی مطرح است - که خلاصه می‌شود در حکومت دین، خلاصه می‌شود در جامعه‌ی دینی - دشمن درست‌کن است، دشمن تراش است، جنگ‌راه‌بینداز است. این همان جنگ معروف حق و باطل است که در طول تاریخ بوده؛ این چیز جدیدی هم نیست؛ هر جایی که نغمه‌ی توحید بلند شد و عدالت مطرح شد، دشمنانی در آنجا به وجود آمدند؛ این مال امروز نیست؛ وَكَذَلِكَ جَعَلْنَا لِكُلِّ نَبِيٍّ عَدُوًّا شَيَاطِينَ الْإِنْسِ وَالْجِنِّ يُوحى بَعْضُهُمْ إِلَى بَعْضٍ زُخْرُفَ الْقَوْلِ غُرُورًا وَلَوْ شَاءَ رَبُّكَ مَا فَعَلُوهُ فَذَرْهُمْ وَمَا يَفْتَرُونَ \* وَلِتَصْغَىٰ إِلَيْهِ أَفئِدَةُ الَّذِينَ

لا يُؤْمِنُونَ بِالْآخِرَةِ وَلَيَرِضُوهُ وَلَيَقْتَرِفُوا مَا هُمْ مُقْتَرِفُونَ. أبعاض جبهه‌ی باطل با یکدیگر همکاری می‌کنند، یعنی هم همکاری می‌کنند و هم طرف‌دار پیدا می‌کنند؛ کسانی اِصْغَاء می‌کنند حرف‌های اینها را و گوش می‌کنند و دنبال اینها حرکت می‌کنند؛ این [طور] هست. ما در جمهوری اسلامی شعارمان عبارت است از توحید، از ولایت‌الله و ولایت اولیاءالله، عدالت اجتماعی، تکریم انسان؛ این شعارهایی که ما داریم و دنبالش هستیم، اینها است، و اینها دشمن دارد. ما با ظلم مخالفیم؛ کونا لِلظَّالِمِ خَصْماً وَلِلْمَظْلُومِ عَوْنًا. ما این مکتب را داریم؛ خصم ظالمیم، عون مظلومیم. این موضع، طبعاً دشمن به وجود می‌آورد، دشمنی به وجود می‌آورد، دعوا راه می‌اندازد» (امام خامنه‌ای، بیانات در دیدار رئیس و اعضای مجلس خبرگان رهبری، ۲۰۱۸/۰۳/۱۵).

از دید ایشان در برخورد با نظام سلطه، دو نوع رفتار از هم متمایز می‌شوند؛ یکی برخورد تسلیم و دیگری برخورد مقاومت است. تسلیم در مقابل زورگویان جهان، زورگو را به زورگویی تشویق می‌کند. تسلیم ملت‌ها، تسلیم سیاسیون عالم، تسلیم روشنفکران جوامع مختلف در مقابل زورگویی‌های استکبار جهانی، مشوق آنها در پیشرفت است. به همین جهت برای ملت‌ها یک راه حقیقی بیشتر باقی نمی‌ماند و آن مقاومت است. در مسیر مقاومت چنانچه دولت‌های اسلامی، دولت‌های جهان سوم و ملت‌ها قدر قدرت خودشان را بدانند، مهم‌ترین ابزارهای نظام سلطه ناکارآمد خواهد شد (اسدی، ۲۰۱۲).

### تبار تهدیدات داعشی بر اساس نظریه نظام سلطه

اصلی‌ترین مزیت کارکردهای نظریه نظام سلطه در تحلیل تهدیدات داعش، تبیین تبار تهدیدات این گروه تروریستی - تکفیری در جهان اسلام است.

### علت تهدیدات داعش در جهان اسلام

محقق اعتقاد دارد هسته اصلی نظریه نظام سلطه در ارتباط علت تهدیدات داعش علیه جمهوری اسلامی ایران، مستلزم تبیین رابطه منافع نظام سلطه با داعش (یکی از خرده نظام‌های تابعه ساختار سیاست بین‌الملل) است؛ چرا که تهدیدات این گروه تروریستی منبعث از همین ساختار و علیه امنیت جمهوری اسلامی ایران است.

به عقیده حضرت آیت‌الله خامنه‌ای، داعش مولود نظام سلطه و تسهیل‌گر راهبردها و سیاست‌های آن در سطح جهان اسلام است. «حکومت آمریکا همان دستگامی است که داعش‌ها را به وجود آورد - نه فقط داعش را - و کارهای آنها را برایشان تسهیل کرد؛ [بلکه] مسبب، او بود» (امام خامنه‌ای مدّ ظلّه‌العالی، بیانات در دیدار فرماندهان و کارکنان نیروی هوایی ارتش، ۲۰۱۸/۰۲/۰۸).

لذا داعش به سیاق سایر گروه‌های تروریستی فعال در جهان اسلام، ریشه در خارج از جهان اسلام دارد و بر پایه منافع قدرت‌های جهانی و بر مبنای منافع و میل آنها شکل گرفته است؛ چرا که داعش خاستگاه ملی ندارد و از یک ماهیت چند ملیتی برخوردار است (شیرودی، ۲۰۱۵: ۱۸). از این‌روست که هیلاری

کلینتون نیز در کتاب خاطرات خود اذعان دارد که «ما داعش را برای تقسیم خاورمیانه ایجاد کردیم» در جدول زیر به برخی از مدارک تشکیل، تثبیت و ترویج داعش توسط ایالات متحده اشاره می‌گردد.

### جدول ۱: مستندات حمایت نظام سلطه از داعش

مدارک تشکیل، تثبیت و ترویج داعش توسط سردمدار نظام سلطه	
ادوارد اسنودن، پیمانکار سابق آژانس امنیت ملی آمریکا: «سازمان‌های اطلاعاتی آمریکا، انگلیس و رژیم صهیونیستی در شکل‌گیری داعش نقش داشتند و در عملیاتی با نام لانه‌ی زنبور، گروه داعش را تشکیل دادند».	مایکل تی. فلین، رئیس سابق آژانس اطلاعات دفاعی پنتاگون: رشد داعش نتیجه مستقیم حمایت ایالات متحده از شورشیان سوری بود که هسته‌ی مرکزی جنگجویان آن را القاعده‌ی عراق تشکیل می‌دادند.
مایکل اشپرینگ‌من، دیپلمات بازنشسته‌ی وزارت خارجه‌ی آمریکا: عملیات مخفیانه‌ی ایالات متحده همراه با متحدانش در خاورمیانه به تأسیس گروه‌های تروریستی ضد غربی منجر شده است.	پایگاه دولتی فرصت‌های تجارت فدرال آمریکا اسنادی درباره‌ی نوع و حجم سلاح‌ها و مهماتی که آمریکا در اختیار گروه‌های تروریستی در سوریه قرار داده، منتشر کرده است.
ویگانه اینسورج با اشاره به درز یکی از اسناد دولتی آمریکا: غرب به‌صورت عامدانه و با هماهنگی دولت‌های خلیج [فارس] و ترکیه برای بی‌ثبات کردن نظام سوریه از گروه‌های خشن حمایت کرده‌اند.	ردانیل مک‌آدامز، رئیس مؤسسه‌ی صلح ران پال آمریکا: «ایالات متحده به‌دلایل تاکتیکی و نه ایدئولوژیک، به رشد داعش کمک کرده است... ایالات متحده برای بی‌ثبات کردن سوریه، داعش را تقویت کرده است»
ماریا زاخاروا، سخنگوی وزارت خارجه‌ی روسیه، «... پس از حمله‌ی هوایی امروز علیه ارتش سوریه به این نتیجه واقعاً دهشتناک برای کل جهان رسیدیم: کاخ سفید از داعش حمایت می‌کند».	ترامپ بارها تأکید کرد من می‌خواهم بگویم که هیلاری کلینتون مکار نیز یکی از بنیان‌گذاران داعش است.
آمریکا با فراهم کردن تجهیزات الکترونیکی و نرم‌افزاری، از فعالیت‌های سایبری تروریست‌های داعش حمایت می‌کند. مرکز حمایت از مخالفان سوریه در آمریکا، انواع تجهیزات و آموزش‌های لازم را برای عملکرد قدرتمند تروریست‌های فعال عراق و سوریه در فضای مجازی در اختیار آنها قرار می‌دهد.	ریچارد هیدن بلک، عضو جمهوری خواه مجلس سنا با استناد به تحقیقات یک آژانس اطلاعاتی دفاعی آمریکا در سال ۲۰۱۳، که افشاگر روابط میان واشنگتن و تکفیری‌ها بود، گفت: «آنها حقیقتاً یکسان و یکی هستند. آنها بخشی از یک ارتش مشترک هستند». هیدن بلک از برنامه‌های (سیا) برای انتقال سلاح از لیبی به ترکیه و از آنجا به سوریه برای تأمین تسلیحاتی داعش خبر داد.
منبع: پایگاه اطلاع‌رسانی آیت الله خامنه‌ای (۲۰۱۷/۰۱/۰۸)	

بنابراین، در محور اول از دید ایشان مهم‌ترین علت ایجاد داعش، تفرقه بین مسلمانان است. در این ارتباط ایشان معتقد است: امروز هم با یک نظر دقیق تحلیلی مشخص است که تلاشی که آمریکا و

هم‌پیمانان آن در آنچه «مواجهه‌ی با داعش» می‌دانند - که واقعیتی ندارد - بیش از آنچه تلاش برای نابودکردن نطفه‌ی این حرکت خبیث باشد، تلاش برای جهت دادن دشمنی‌های مسلمانان میان یکدیگر است. سردمداران نظام سلطه سعی می‌کنند مسلمان‌ها را به جان هم بیندازند؛ عامل آن را امروز این گروه جاهل و متعصب و متحجر و وابسته قرار داده‌اند و الا هدف همان هدف است؛ سعی آنها این است که مسلمانان را از دشمن اصلی منصرف کنند. ما باید این را بدانیم - چه شیعه و چه سنی؛ هر کسی که به اسلام پایبند است، هر کسی که حاکمیت قرآن را قبول دارد باید بداند - که آمریکا، سیاست‌های آمریکا، سیاست‌های استکباری، سیاست‌های صهیونیستی، دشمن اسلامند، دشمن آگاهی اسلامی‌اند، دشمن حاکمیت اسلامند (امام خامنه‌ای مدظله‌العالی، بیانات در دیدار اقشار مختلف مردم به مناسبت عید غدیر، ۲۰۱۴/۱۰/۱۳).

از نظر مقام معظم رهبری، یکی از اهداف دشمنان [از جمله داعش] از اختلاف‌انگیزی میان مسلمانان به حاشیه‌کشاندن الگوی مقاومت و جایگزین کردن آن با الگوی انحرافی ترور و تکفیر است: «از سوی دیگر دشمنان اسلام و امپراتوران کفر و نفاق به رهبری آمریکا و اسرائیل می‌خواهند معادله جهاد و مقاومت را تبدیل به طرح تکفیر و ترور فرزندان اسلام نموده و در یک کلام، جنگ شیعه‌سنی را به مثابه دل‌مشغولی ملت‌های مسلمان بر جهان اسلام تحمیل کنند. به خیال خود از این راه بر تمامی مقدرات مادی و معنوی جهان اسلام مسلط شوند» (امام خامنه‌ای، ۲۰۱۲/۰۷/۱۴).

آیت‌الله العظمی خامنه‌ای بر این باور هستند جریان تکفیر جهت مبارزه جهان اسلام را از جهاد علیه صهیونیست‌ها به جهاد علیه مسلمانان تغییر داد و نیروی عظیمی را که می‌بایست علیه صهیونیست‌ها به کار می‌رفت، علیه ممالک اسلامی به کار گرفت. ایشان این اقدام تکفیری‌ها را جنایت تاریخی آنها ارزیابی می‌نمایند که فراموش‌شدنی نیست:

«بینید نیروها و شمشیرها در دست مسلمانان علیه چه کسانی به کار می‌رود. اینها باید علیه رژیم صهیونیستی به کار می‌رفت. جریان تکفیر جهت این مبارزه را تغییر داد و داخل خانه آورد، داخل شهرهای ما، داخل ممالک اسلامی. در داخل مسجد جامع دمشق انفجار به وجود می‌آورند، در اجتماعات مردم عادی در بغداد انسان‌ها را منفجر می‌کنند، در پاکستان صدها نفر را به رگبار می‌بندند. در لیبی این وضعیتی را که مشاهده می‌کنید به وجود می‌آورند؛ همه این‌ها یکی از جنایات فراموش‌نشده تاریخی جریان تکفیر است که این وضع را به وجود آورده است. تبدیل این حرکت، کاری است در خدمت آمریکا، در خدمت انگلیس، کاری است در خدمت سرویس‌های جاسوسی آمریکا و انگلیس و موساد و مانند این‌ها» (صبور حداد، ۲۰۱۶/۱۱/۱۰).

در محور دوم، علت اصلی تهدیدات داعش در جهان اسلام، برهم زدن امنیت در آن به واسطه حضور نظامی در منطقه به بهانه مبارزه با داعش است. این در حالی است که در شبکه منافع نظام سلطه نابودی داعش با راهبرد اصلی آن در جهان اسلام (ایجاد ناامنی) مغایر است (امام خامنه‌ای مدظله‌العالی، بیانات در اجتماع زائران و مجاوران حرم مطهر رضوی، ۲۰۱۸/۰۳/۲۱).

### روش تهدیدات داعش در جهان اسلام

تدقیق در نظریه نظام سلطه نشان می‌دهد روش ایالات متحده آمریکا (سردمدار نظام سلطه) با یکی از ابزارهای اصلی آن یعنی گروه تروریستی - تکفیری داعش در جهان اسلام، شباهت‌های عدیده‌ای دارد. در واقع روش یاد شده برای سرکوب مخالفان و حرکت‌های تجدیدنظر طلب داخلی و خارجی «ترور» و حمایت از ترور است.

حضرت آیت‌الله خامنه‌ای در پیام خود به همایش بین‌المللی مبارزه جهانی با تروریسم ابراز می‌دارد که ایالات متحده آمریکا در چند دهه‌ی اخیر، سیاهه‌ی بالابندی از رفتارهای تروریستی و نیز پشتیبانی مالی و تسلیحاتی از تروریست‌های سازمان‌یافته در کشورهای این منطقه، به‌وجود آورده است. حملات مرگبار هواپیماهای بدون سرنشین به خانوارهای بی‌دفاع در روستاها و مناطق محروم در افغانستان و پاکستان، جنایات بلک واتر در عراق و کشتار شهروندان و نخبگان عراقی، کمک به گروه‌های بمب‌گذار در ایران و عراق و پاکستان، ترور دانشمندان هسته‌ای در ایران با همکاری موساد و... گوشه‌هایی از این سیاهه‌ی ننگین و فراموش‌نشده است (امام خامنه‌ای مدظله‌العالی، پیام به همایش بین‌المللی مبارزه جهانی با تروریسم، ۲۴/۰۶/۲۰۱۱). ترور فرماندهان مقاومت از جمله قاسم سلیمانی و ابومهدی المهندس از اهداف مشترک داعش و ایالات متحده آمریکا است. حمله‌ی مستقیم ناو آمریکایی به هواپیمای مسافربری ایران برفراز آب‌های خلیج فارس، نمونه‌ای دیگر بود که در آن صدها انسان بی‌گناه، به یک‌باره مورد اصابت حمله تروریستی آمریکا قرار گرفتند.

داعش و ایالات متحده (در برخی از موارد تاریخی تروریستی‌تر از داعش) در ترور با شهروندان غیرنظامی نیز روش مشترکی دارند. به جرأت می‌توان مدعی شد داعش یکی از گروه‌های تکفیری - تروریستی است که اکثر دستاوردهای غیرمشموع آن به‌واسطه وحشت‌آفرینی و بی‌رحمی اعضای آن، علیه ملل غرب آسیا و شمال آفریقا بوده است. اگرچه ذبح انسان در منطقه مسبوق به سابقه است، اما داعش تنها گروهی است که بریدن سر انسان‌ها را به حدی انجام می‌دهد که این اقدام عمدتاً به‌عنوان منبع وحشت‌آفرین عملیات آنها در اقصی نقاط منطقه شناخته می‌شود. همین رفتار و روش تروریستی از جانب دولت آمریکا نسبت به فرقه دیوبندیه مشهود است. در این ارتباط حضرت آیت‌الله خامنه‌ای می‌فرماید:

«آن چیزی که در این بین [گفتارهای سران کشورهای دیگر در مورد انتخابات ۸۸] از همه بدتر و زشت‌تر به چشم من آمد، این حرف‌هایی بود که به‌عنوان دلسوزی از حقوق بشر و سختگیری به مردم، از زبان این دولت‌مردان آمریکائی صادر شد که: ما از اینکه با مردم چنین رفتار بشود، مخالفیم؛ ما نگرانیم! شما نگران مردمید؟! شما چیزی به نام حقوق انسان را اصلاً قبول دارید؟! افغانستان را کی به خاک و خون کشید و هنوز هم دارد می‌کشد؟ عراق را کی زیر چکمه‌ی نظامیان خودش تحقیر کرد؟ در فلسطین چه کسی به دولت صهیونیست ظالم این همه کمک سیاسی و مادی کرد؟ در خود آمریکا - انسان واقعاً تعجب می‌کند - در زمان دولت همین حزب دمکرات، در زمان ریاست جمهوری شوهر همین بانویی که حالا اظهار نظر می‌کند، هشتاد و چند نفر از وابستگان فرقه‌ی داوودی را زنده زنده در آتش سوزاندند.

این که دیگر جای انکار نیست. همین حضرات، همین دمکرات‌ها این کار را کردند. فرقه‌ی داوودی‌ها به قول خودشان دیویدی‌ها - به دلیلی مورد غضب دولت آمریکا قرار گرفتند و به منزلی رفتند و در آنجا متحصن شدند. هر چه کردند، بیرون نیامدند. اینها خانه را آتش زدند و هشتاد تا مرد، زن، بچه تو این خانه، زنده زنده سوختند. شما حقوق بشر می‌فهمید یعنی چه؟» (امام خامنه‌ای مدظله‌العالی، خطبه‌های نماز جمعه تهران، ۲۰۰۹/۰۶/۱۹).

### جدول ۲: مشابهت‌های روش داعش و ایالات متحده در ترور

روش داعش در ترور	روش آمریکا در ترور
حمله به غیر نظامیان	حمله به غیر نظامیان
مردم سوریه، عراق، ایران، افغانستان و ...	حمله هسته‌ای به غیر نظامیان ژاپنی، کشتار مسافران هواپیما ایرانی توسط ناو وینسنس ۱۳۶۷
ارباب اقلیت‌ها	ارباب اقلیت‌ها
اعدام رهبران اقلیت‌ها، نسل‌کشی ایزدیان	کشتار فرقه دیویدی (۱۹۹۳)، کشتار ساختارمند سیاه‌پوستان توسط پلیس
کشتار اسیران جنگی	شکنجه ارباب‌انگیز زندانیان
سربردن اسیران شیعه، آتش زدن اسیران و ...	تغذیه اجباری زندانیان، استفاده از سلول‌های بسیار کوچک، توسعه زندان‌های سری
ترور در کشورهای جبهه مقاومت	ترور مقامات کشورهای جبهه مقاومت
اشغال بخش‌هایی از سوریه و عراق و انواع جنایات حقوق بشری	به شهادت رساندن قاسم سلیمانی، به شهادت رساندن ابو مهدی المهندس
حمایت شده از سوی رژیم‌های مخالف جبهه مقاومت	حمایت از رژیم‌های مخالف جبهه مقاومت
درمان داعشی‌ها در فلسطین اشغالی، استعانت از رژیم صهیونیستی در شکل‌گیری و ادامه بقا	حمایت همه‌جانبه از رژیم صهیونیستی (یکی از مؤسسان داعش) و عربستان سعودی (یکی از حامیان مالی و ... داعش)

منبع: نویسنده

### هدف تهدیدات

هدف اصلی تهدیدات از نگاه رهبری معظم انقلاب مهار حرکت بیداری اسلامی و مقاومت اسلامی، کمک به بقای رژیم صهیونیستی و اسلام‌هراسی است. نویسنده معتقد است راهبردهای گروه افراطی داعش در جهت اهداف غرب بالاخص ایالات متحده آمریکا و رژیم صهیونیستی، قابل تفسیر است. اقدامات داعش، اسلام‌هراسی به معنای واقعی کلمه را بیش از پیش توسعه و ترویج داده است. در اثر نفوذ داعش در کشورهای اسلامی، حوزه نفوذ رژیم صهیونیستی از لحاظ سیاسی و امنیتی در جهان اسلام افزایش پیدا نموده است.

حضرت آیت‌الله خامنه‌ای در این ارتباط می‌فرماید:

«جریان تکفیر توانست حرکت بیداری اسلامی را منحرف کند. حرکت بیداری اسلامی یک حرکت ضد آمریکا، ضد استبداد، ضد دست‌نشانندگان آمریکا در منطقه بود؛ حرکتی بود از سوی عموم مردم در کشورهای مختلف شمال آفریقا که علیه استکبار بود، علیه آمریکا بود. جریان تکفیر، این حرکت عظیم ضد استکباری و ضد آمریکایی و ضد استبدادی را تغییر جهت داد به جنگ بین مسلمانان و به برادرکشی. خط مقدم مبارزات در این منطقه مرزهای فلسطین اشغالی بود. جریان تکفیر آمد این خط مقدم را تبدیل کرد به خیابان‌های بغداد و مسجد جامع سوریه و دمشق و خیابان‌های پاکستان و شهرهای مختلف سوریه، و اینها شد خط مقدم مبارزه» (امام خامنه‌ای مدظله‌العالی، بیانات در دیدار شرکت‌کنندگان در «کنگره‌ی جهانی جریان‌های افراطی و تکفیری از دیدگاه علمای اسلام»، ۲۰۱۴/۱۱/۲۵).

بر اساس تحقیقات انجام شده، داعش و رژیم صهیونیستی منافع مشترکی در مقابله با ارتش سوریه، حزب‌الله لبنان و ایران در خاک سوریه و جهان اسلام دارند و براساس گزارش‌های منتشر شده در فلسطین اشغالی، رژیم صهیونیستی طی سال‌های گذشته به صورت مستقیم و غیرمستقیم تلاش کرده است از عناصر گروه تروریستی داعش حمایت کند. در همین ارتباط، «دیدهبان فتاوی‌های تکفیری و دیدگاه‌های تندرو» وابسته به مرکز فتوای مصر اعلام کرد دلایل زیادی وجود دارد که اثبات می‌کند رژیم صهیونیستی از داعش و دیگر گروه‌های تروریستی در سوریه و جهان اسلام حمایت می‌کند. این مرکز در گزارشی می‌نویسد شش دلیل و سند محکم اثبات می‌کند این رژیم به صورت مستقیم و غیرمستقیم از داعش حمایت می‌کند:

۱. درمان جنگجویان داعشی در بیمارستان‌های نظامی در منطقه اشغالی جولان؛ ۲. خرید نفت از داعش از طریق شبکه‌های واسطه‌گر؛ ۳. فروش اسلحه به داعش؛ ۴. تلاش برخی عناصر این رژیم برای پیوستن شمار بیشتری از جوانان کشورهای منطقه به داعش؛ ۵. مذاکرات مستقیم صهیونیست‌ها با داعش برای تحویل گرفتن ۱۰۰ نفر از عرب‌های مقیم فلسطین اشغالی موسوم به عرب‌های ۴۸ که به داعش پیوسته بودند و ۶. حمله نکردن داعش به رژیم صهیونیستی زیرا کمترین عملیات داعش در داخل اراضی اشغالی فلسطین انجام شده است (خبرگزاری ایرنا، ۲۰۱۸/۰۷/۲۵).

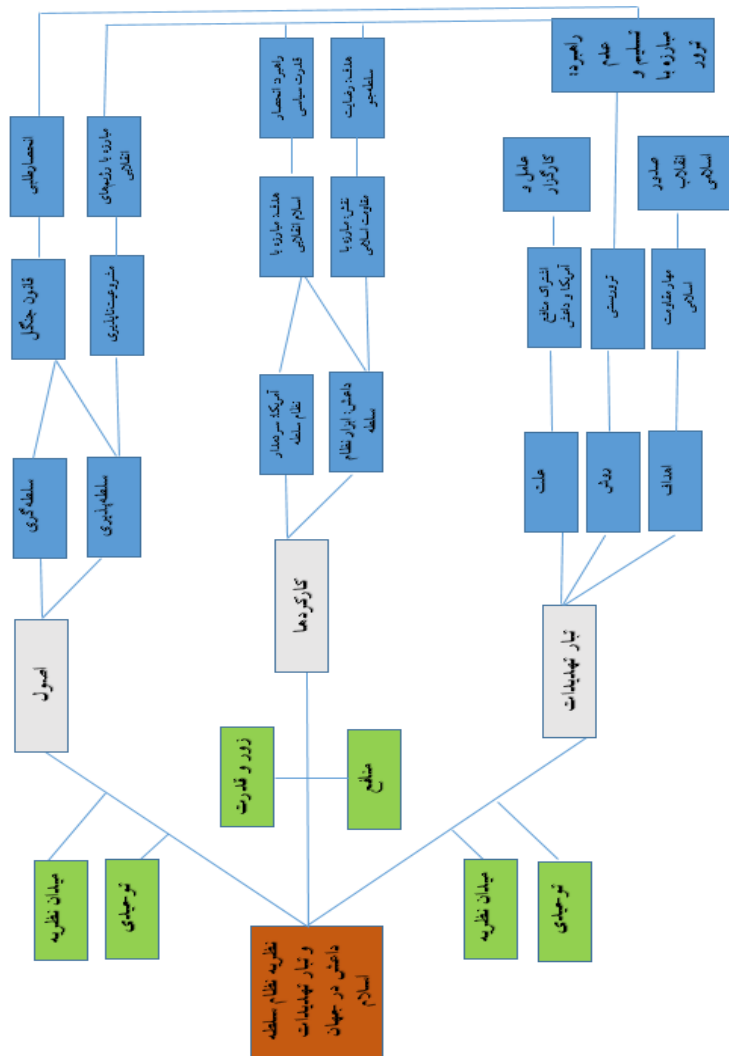
همچنین بر اساس نظریه نظام سلطه یکی از اهداف نظام سلطه، مخدوش‌سازی تصویر اسلام از طریق ابزار آن (داعش) برای جهانیان است. در این ارتباط حضرت آیت‌الله خامنه‌ای می‌فرماید:

جریان تکفیر چهره اسلام را در دنیا مخدوش کرد. همه دنیا در رسانه‌های جمعی دیدند که کسی را می‌نشانند و با شمشیر گردن می‌زنند، بدون این که جرمی برای او معین شده باشد. لَیْنَهَکُمُ اللَّهُ عَنِ الدِّینِ لَمْ یَقَاتِلُوکُمْ فِی الدِّینِ وَ لَمْ یُخْرِجُوکُمْ مِنْ دِیَارِکُمْ اَنْ تَبْرُوهُمْ وَ تَقْسِطُوا اِلَیْهِمْ اِنَّ اللَّهَ یُحِبُّ الْمُقْسِطِینَ. اِنَّمَا یَنْهَکُمُ اللَّهُ عَنِ الدِّینِ قَاتِلُوکُمْ فِی الدِّینِ وَ اَخْرَجُوکُمْ مِنْ دِیَارِکُمْ وَ ظَاهَرُوا عَلٰی اِخْرَاجِکُمْ اَنْ تَوَلَّوْهُمْ. اینها درست بعکس عمل کردند؛ مسلمان را کشتند؛ غیرمسلمان غیرمترعش را زیر شمشیر نشانند، تصویر آن در همه‌ی دنیا پخش شد، همه دنیا این را دیدند. همه‌ی دنیا دیدند که یک نفری به نام اسلام دست کرد از سینه‌ی یک آدم کشته شده، دل او را بیرون آورد و به دندان کشید. این را دنیا دید. اینها به نام اسلام تمام شد؛ اسلام رحمت، اسلام تعقل، اسلام منطق، اسلام «لا ینهکم الله



عَنْ اَلَّذِيْنَ لَمْ يُقَاتِلُوْكُمْ فِي الدِّيْنِ»، اين اسلام را اينها به اين شكل معرفي كردند (امام خامنه‌اي مدّظله‌العالي، بيانات در ديدار شرکت‌کنندگان در «کنگره‌ي جهاني جريان‌هاي افراطي و تکفيري از ديدگاه علمای اسلام»، ۲۰۱۴/۱۱/۲۵).

در نگاره زير، تبار تهدیدات داعش در جهان اسلام از منظر نظريه نظام سلطه به نظم کشيده شده است.



شکل ۶: تبار تهدیدات داعش در نظريه نظام سلطه، منبع: نویسنده

## نتیجه گیری

فرضیه اصلی این پژوهش مبتنی بر این ایده نوآورانه استوار است که نظریه نظام سلطه حضرت آیت الله خامنه‌ای بر خلاف نظریه‌های غیربومی، از این ظرفیت برخوردار است که تهدیدات داعش در جهان اسلام را از حیث ریشه‌ها، علل، روش و هدف تحلیل و به‌عبارتی تبارشناسی نماید. روش به نظم کشیدن این گزاره، در ابتدا به‌واسطه بحث در ارتباط با ناکارآمدی نسل‌های مختلف مکاتب امنیتی غیربومی محافظه‌کارانه (نئورئالیسم پوزیتیویستی، مکتب کپنهاگ میانه‌رو، مکتب پاریس پساپوزیتیویستی) پیش رفته است. پس از آن کارکردها نظریه نظام سلطه (به‌عنوان نظریه‌ای تجدید نظرطلب) به منظور تبیین تبار تهدیدات داعش به‌مثابه دستاوردهای پژوهش به تصویر کشیده شده است.

اولین پرسش از نئورئالیسم است. چرا نئورئالیسم نمی‌تواند تبار تهدیدات داعش در جهان اسلام را تحلیل نماید؟ در پاسخ نویسنده معتقد است: نئورئالیسم به جهت این که دولت را مرجع امنیت می‌داند، از تحلیل تهدیدات غیرعینی و به‌عبارتی دیگر تهدیدات غیرملموس مانند تهدیدات فرهنگی و اجتماعی باز می‌ماند. از سویی، در مطالعات امنیتی نئورئالیستی، گرچه به ماهیت آنارشیک نظام بین‌الملل و نوع آن (دوقطبی، سلسله مراتبی و ...)، اهمیت محوری داده شده است، اما از تحلیل بنیان‌های جامعه‌شناسانه و تبارشناسانه آن غفلت شده است. کاربست تحلیل تبارشناسانه اصول نظام حاکم بر روابط بین‌الملل، کمک شایانی به تحلیل تهدیدات منطقه‌ای و فرهنگی داعش در جهان اسلام نمی‌کند. همچنین، اگر نگارنده در این تحقیق نئورئالیسم را مبنای نظری تحلیل خود قرار می‌داد می‌بایست عمده‌تاً باید تهدیدات نظامی داعش و مشتقات حاصل از آن در جهان اسلام مدنظر قرار می‌گرفت. این در حالی است که جنگ نظامی داعش علیه برخی از کشورها نظیر ایران در پیشینه موضوع جایگاهی خاصی ندارد.

دومین پرسش از مکتب امنیتی کپنهاگ بدین ترتیب است: چرا این مکتب علی‌رغم کاربرد فراوان توسط دانش پژوهان علوم راهبردی جوابگوی تبارشناسی تهدیدات داعش نیست؟ نگارنده بر این باور است که کاربست مکتب کپنهاگ برای تحقیق حاضر، مستلزم تحلیل تهدیدات پنج‌گانه آن است. این در حالی است که پیشینه تحقیق اولویت چندانی برای تهدیدات زیست‌محیطی داعش در جهان اسلام قائل نیست. در واقع مدعی آن نیستیم که هیچ تهدید خاص زیست‌محیطی از سوی داعش متوجه جهان اسلام نیست؛ بلکه تهدیدات مزبور اهمیتی به اندازه اهمیت سایر تهدیدات پنج‌گانه ندارند. مکتب امنیتی کپنهاگ از نقش قدرت‌های بزرگ در تحلیل ناامنی‌های منطقه‌ای غفلت می‌کنند. و صرفاً به پویایی‌های تهدیدزا در هر منطقه بدون توجه به ساختار نظام بین‌الملل و اتحادیهایی که در آن متصور است، توجه دارد. از این منظر کاربست مکتب کپنهاگ با توجه به نقش مکمل ایالات متحده، در فرایند تولید تهدیدات داعش در جهان اسلام، تحقیق را با مشکلات عدیده‌ای مواجه خواهد نمود. از سویی این مکتب به «امنیت» دیدی منفی دارد و «ابتکار امنیتی» علیه داعش را مشروعیت بخشیدن به کاربرد زور از سوی دولت در جهت بسیج و قبضه قدرت تلقی می‌کنند.

پرسش سوم را از مکتب پارس به عنوان مکتبی پسا ساختارگرا مطرح کردیم. چرا مکتب امنیتی پاریس با وجود مباحثی نظیر امنیت - دانش و «بافتار» نمی‌تواند تهدیدهای داعش در جهان اسلام را تبارشناسی کند؟ نویسنده پس از بررسی اصول این مکتب به این نتیجه رسید که مهم‌ترین کاستی نظری مکتب پاریس، مشخص نبودن مصادیق تهدید است. صرف اکتفا به مبحث امنیتی کردن از مقبولیت کافی برخوردار نیست. همچنین، مبحث دانش - قدرت کارایی چندانی در تحلیل تهدیدات داعش در جهان اسلام ندارد. به عبارتی بهتر تهدیدات برخاسته از مختصات قدرت داعش به صورت مستقل، برخلاف تهدیدات نظام بین‌الملل، در جهان اسلام، گفتمان‌ساز نبوده است. و در این راستا حداقل در طول تهدیدات قدرت‌های بزرگ مبادرت به کنشگری و امنیتی کردن نموده است. همچنین مفهوم «بافتار» یا «میدان»، مفهومی مبهم است. مشخصاً، تحلیل‌های نویسنده در بررسی‌های روش‌شناسانه به علت تأثیر میدان‌های بی‌شمار تهدیدات داعش بر روی یکدیگر، عملاً با ناکارآمدی مواجه می‌شود. به تبع این موضوع، مرز بین کارگزاران امنیتی و مراجع امنیت نیز از بین خواهد رفت.

سیری در مطالعات امنیتی غیربومی نشان می‌دهد که در این نظریه‌ها و مکاتب به سه دلیل ریشه، روش و اهداف تهدیدات داعش (تبار) مشخص نیست. اولاً جهان‌بینی این مکاتب به علت غیربومی بودن با منافع زادگاه خود (غرب) پیوند خورده و از دغدغه و اولویت‌های امنیتی جهان اسلام مغایر است. ثانیاً مکاتب مزبور، به دلیل واهمه محرومیت از طرح، ارائه و ترویج نمی‌توانند بافتار ایدئولوژیک، فرهنگی و سیاسی نظام بین‌الملل را مشخص کنند. ثالثاً، مکاتب فوق به سبب ریشه داشتن در اومانیسیم، خواستار تبارشناسی تهدیدات داعش در مجموعه امنیتی جهان اسلام نیستند. بنابراین، این پرسش مطرح است که نظریه نظام سلطه حضرت آیت‌الله خامنه‌ای چگونه می‌تواند تهدیدهای گروه تروریستی - تکفیری داعش در جهان اسلام را تبارشناسی کند؟

نگارنده بر این باور است که اصول نظریه نظام سلطه بر خلاف مکاتب امنیتی محافظه‌کار، با جهان‌بینی توحیدی جوهره نظام سلطه را کسب «منافع» در پرتو «زور» و قدرت می‌داند. این امر با فطرت نیک انسان و در وهله بعد با اصول اخلاقی و پیمان‌های بین‌المللی در تضاد است. یکی از اصول در نظریه نظام سلطه، نامطلوب تلقی نمودن «سلطه‌جویی» از سوی سلطه‌گر و «سلطه‌پذیری» از سوی سلطه‌پذیر است؛ چرا که مادامی که رابطه سلطه برقرار باشد، نظام سلطه برقرار است. لذا قانون در نظام سلطه «قانون جنگل» است. قانون جنگل اغلب اوقات نامشروع و نامقبول است و اصلی‌ترین پیامد برقراری قانون جنگل، در روابط اجتماعی انحصارطلبی است. انحصار طلبی به نوبه خود با هرگونه حرکت و جنبش غیر انحصارطلب در ستیز است که نمونه آن در نظام بین‌الملل مبارزه با جنبش‌های ضد سلطه و آزادخواه است.

اصول نظریه نظام سلطه کارکردهای این نظریه را در تحلیل تهدیدهای داعش تدارک می‌بیند. در ارتباط با هدف اصلی تحقیق حاضر ایالات متحده آمریکا و رژیم صهیونیستی سردمداران نظام سلطه هستند که برای برقراری نظم سلطه از ابزارهای نظام سلطه بهره می‌گیرند. لذا داعش به عنوان یکی از اصلی‌ترین ابزارهای نظام سلطه در جهان اسلام به دلیل همپوشانی ذات منافع خود با نظام سلطه (سلطه‌جویی)، به ایفا

نقش می‌پردازد. هدف اصلی ایالات متحده آمریکا و رژیم صهیونیستی در جهان اسلام مبارزه با جنبش و جبهه مقاومت اسلامی است. و همان‌گونه که تاریخ تحولات جهان اسلام از زمان پیدایش این گروه تروریستی نشان می‌دهد، داعش یکی از موانع تحقق اهداف مقاومت اسلامی است. مبارزه با مقاومت اسلامی کارکردی دوگانه دارد: راهبرد ایالات متحده آمریکا و رژیم صهیونیستی را در ارتباط با تلاش برای حفظ وضع موجود تداوم می‌بخشد و به‌طور همزمان، رضایت سردمداران نظام سلطه را ناشی می‌شود. از این حیث در تبارشناسی تهدیدات داعش، علت تهدیدهای این گروه تروریستی - تکفیری اشتراک منافع (تفرقه بین مسلمانان و به حاشه راندن الگوی مقاومت) با سردمداران نظام سلطه است. روش تهدیدات داعش منبعث از روش سردمداران نظام سلطه برای سرکوب مخالفان داخلی و خارجی خود «ترور» است. در نهایت هدف تهدیدهای داعش الگو گرفته از هدف نظام سلطه مهار حرکت بیداری اسلامی و مقاومت اسلامی، کمک به بقای رژیم صهیونیستی و اسلام‌هراسی است. در نظریه نظام سلطه برخلاف مکاتب امنیتی بررسی شده، اصلی‌ترین راهبرد مقابله با اهداف نظام سلطه، مبارزه با تروریسم و سردمداران ترور به منظور قطع زنجیره رابطه سلطه‌جو و سلطه‌پذیر است. در جدول زیر، میزان کارآمدی نظریه‌های غیربومی و نظریه نظام سلطه در تبارشناسی تهدیدات داعش مشخص شده است.

**جدول ۳: ناکارآمدی نظریه‌های غیربومی و کارآمدی نظریه نظام سلطه در تبارشناسی تهدیدات داعش**

عناصر ناکارآمدی/مکاتب	نئورئالیسم	مکتب کپنهاگ	مکتب پاریس	نظریه نظام سلطه
جهان بینی	مادی	مادی	مادی	توحیدی
اصول یا زیربنای تهدیدات	غیر قابل شناسایی (دولت نبودن داعش)	برخاسته از ویژگی‌های جهان اسلام	برخاسته از بافتار جهان اسلام	برخاسته از ذات سلطه‌گر نظام بین‌الملل
کارکرد یا شناسایی رابطه تهدیدکننده و تهدیدشونده	غیر قابل شناسایی (دولت نبودن داعش)	مجموعه امنیتی جهان اسلام	نامشخص (به دلیل تأثیر نامتعیین بافتار تهدیدها بر یکدیگر)	آمریکا و رژیم صهیونیستی: سردمدار تهدیدات و داعش: بزار تهدیدکنندگی
روش تهدیدات	غیر قابل شناسایی (دولت نبودن داعش)	اقتصادی، نظامی، سیاسی، اجتماعی - فرهنگی، زیست محیطی	پلیسی کردن عدم امنیت در جهان اسلام	تروریستی و حمایت از ترور

هدف تهدیدات	غیرقابل شناسایی (دولت نبودن داعش)	تعریف شده در مجموعه امنیتی جهان اسلام	سست شدن حاکمیت ملی و رابطه آزادی و امنیت در جهان اسلام	مهار حرکت بیداری اسلامی و مقاومت اسلامی، کمک به بقای رژیم صهیونیستی و اسلام‌هراسی
راهبرد جهت کاهش تهدیدات	غیرقابل شناسایی (دولت نبودن داعش)	ضد امنیتی کردن: عدم ارائه راهبرد (به دلیل ژئوپلتیک خاص مکتب)	ضد امنیتی کردن: عدم ارائه راهبرد (به دلیل ژئوپلتیک خاص مکتب)	مبارزه با داعش جهت قطع زنجیره سلطه
کارایی	ناکارآمد	ناکارآمد	ناکارآمد	کارآمد
منبع: نویسنده				

در پایان پیشنهاد می‌گردد صاحب‌نظران علوم امنیتی نظریه نظام سلطه را در سایر موضوعات امنیتی نظیر پرونده هسته‌ای ایران، امنیتی سازی حقوق بشر در ایران و امنیتی سازی فعالیت‌های موشکی و منطقه‌ای جمهوری اسلامی ایران، به کار بندند.

## References

- Abdullah Khani, Ali (2006), "Study and Critique of Security Theory", Strategic Studies Quarterly, Volume 9, Number 3, 511-492. (in Persian)
- Ahmadi, Hamid (2005), "Islamic Movements and Violence in West Asia", Quarterly Journal of West Asian Studies, No. 41, 56-31. (in Persian)
- Aqarebparast, Mohammad Reza and Shojaei, Mohammad Milad, (2016), "Comparison of security with the scale of neorealism and postmodernism", International Political Research Quarterly, No. 27, 160-135. (in Persian)
- Asadi, Nasser (2012), "Linking authority and opposition to the system of domination in the doctrine of Grand Ayatollah Khamenei", the information base of the Office of the Supreme Leader, can be viewed on the Internet: <https://farsi.khamenei.ir/others-note?id=19865> (in Persian)
- Asgari, Mahmoud (2003), "Security Epistemological Approaches", Quarterly Journal of Strategic Studies, Volume 6, Number 2, 403-383. (in Persian)
- Asgarkhani, Abu Mohammad and Rahmati, Reza (2010), "Study of International Security: In Transition from Realism to Postmodernism", Journal of Political and International Approaches, No. 24, 242-213. (in Persian)

- Azin, Ahmad and Seifzadeh, Ali (2015), "Study of the social and political contexts of the emergence of ISIS in West Asia", *Foreign Policy Quarterly*, Volume 29, Number 4, 27-50. (in Persian)
- Confirms the reasons for Israel's support for ISIS, (03/05/1397), *IRNA news agency*. (in Persian)
- Davand, Mohammad (2019), *Behavioral patterns of ISIL takfiri-terrorist group in the Islamic world (with emphasis on action in the field of defense-security in the periphery of the Islamic Republic of Iran until 1404)*, Tehran: Higher University of National Defense and Research Strategic. (in Persian)
- Dehghani Firoozabadi, Seyed Jalal (2012), *Foreign Policy of the Islamic Republic of Iran*, Tehran: Samat Publications. (in Persian)
- Dehghani Firoozabadi, Seyed Jalal (2012), *Security and Foreign Policy of the Islamic Republic of Iran*, by Seyed Yousef Qureshi, with introduction by Seyed Jalal Dehghani Firoozabadi, Tehran: Strategic Studies Publications. (in Persian)
- Duerotti, James and Pfaltzgraff, Robert, (2005), *Conflicting Theories in International Relations*, translated by Vahid Bozorgi and Alireza Tayeb, Tehran: Qomes Publishing. (in Persian)
- Ebrahimi, Nabiullah, (2007), "Reflection on the Foundations and Concepts of the Copenhagen School", *Foreign Policy Quarterly*, Volume 21, Number 2, 458-439. (in Persian)
- Ebrahimi, Nabiullah (2014), "A Comparative Study of the Concept of Security in the Late Security Schools", *Quarterly Journal of Strategic Studies*, Volume 17, Number 4, 7-30. (in Persian)
- Ebrahimifar, Tahereh; Munavari, Seyed Ali, (2015), "Rethinking Security Institutions from the Perspective of International Relations Theories", *Quarterly Journal of International Relations Studies*, Volume 8, Number 31, 9-40. (in Persian)
- Ghasemi, Farhad, (2012), *Principles of International Relations*, Tehran: Mizan Publishing. (in Persian)
- Ghavam, Seyed Abdol Ali (2014), *International Relations Theories and Approaches*, Tehran: Samat Publications. (in Persian)
- Kangavari Ghaderi, Ruhollah and Rouhi, Nabiullah (2013), "The effect of Islamic Awakening on the nature and function of the system of domination", *Basij Strategic Studies Quarterly*, Volume 16, Number 60, 84-49. (in Persian)
- Kasraei, Mohammad Salar and Davari Moghadam, Saeedeh, (2015), "The Rise of ISIS in West Asia: A Sociological Analysis", *Quarterly Journal of Foreign Relations*, Volume 7, Number 1, 216-191. (in Persian)
- Khamenei, Seyed Ali (1995), *Statements in a group meeting of students*, the information base of the Office of the Supreme Leader, can be viewed on the Internet portal: <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=2772> (in Persian)
- Khamenei, Seyed Ali (2009), *Sermons of Friday Prayers in Tehran*, Information Center of the Office of the Supreme Leader, can be viewed on the Internet portal: <https://farsi.khamenei.ir/newspart-index-old?tid=1558#41609> (in Persian)
- Khamenei, Seyed Ali (2015), *Statements during the meeting between the Chairman and members of the Assembly of Leadership Experts*, information base of the Office of the Supreme Leader, available on the Internet: <https://farsi.khamenei.ir/news-content?id=30657> (in Persian)

- Khamenei, Seyed Ali (2016), *Meeting of the President of Slovenia with the Leader of the Revolution*, Information Center of the Office of the Supreme Leader, available at: <https://farsi.khamenei.ir/news-content?id=34967> (in Persian)
- Khamenei, Seyed Ali (2016), *Statements during the meeting of the Imams of the mosques of Tehran province*, the information base of the Office of the Supreme Leader, can be viewed on the Internet portal: <https://farsi.khamenei.ir/news-content?id=34085> (in Persian)
- Khamenei, Seyed Ali (2017), *Statements at the Graduation Ceremony of Students of the NAJA University*, Information Center of the Office of the Supreme Leader, can be viewed on the Internet: <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=37687> (in Persian)
- Khamenei, Seyed Ali (2018), *Statements in a group meeting of the youth of Ardabil province*, information base of the Office of the Supreme Leader, can be viewed on the Internet portal: <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=3018> (in Persian)
- Khamenei, Seyyed Ali (1989), *Statements in meetings of different segments of the people*, the information base of the Office of the Supreme Leader, can be viewed on the Internet portal: <https://farsi.khamenei.ir/print-content?id=2238> (in Persian)
- Khamenei, Seyyed Ali (2008), *Statements of the Supreme Leader of the Revolution in a meeting with the praisers of the Ahl al-Bayt*, the information base of the Office of the Supreme Leader, can be viewed on the Internet portal: <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=3486> (in Persian)
- Khamenei, Seyyed Ali (2011), *Message to the International Conference on Combating Terrorism*, Information Center of the Office of the Supreme Leader, available at: <https://farsi.khamenei.ir/message-content?id=12780> (in Persian)
- Khamenei, Seyyed Ali (2012), *Appointment of Hojjat al-eslam Araki to the position of Secretary General of the Association for the Rapprochement of Islamic Religions*, information base of the Office of the Supreme Leader, available on the Internet: <https://farsi.khamenei.ir/message-content?id=20403> (in Persian)
- Khamenei, Seyyed Ali (2014), *Statements during the meeting of the participants in the "World Congress of Extremist and Takfiri Currents from the Perspective of Islamic Scholars"*, the information base of the Office of the Supreme Leader, available on the Internet: <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=28278&p=2> (in Persian)
- Khamenei, Seyyed Ali (2014), *Statements in the meeting of different segments of the people on the occasion of Eid Ghadir*, the information base of the Office of the Supreme Leader, can be viewed on the Internet portal: <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=27896> (in Persian)
- Khamenei, Seyyed Ali (2018), *Statements during the meeting between the Chairman and members of the Assembly of Leadership Experts*, the information base of the Office of the Supreme Leader, can be viewed on the Internet portal: <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=39229> (in Persian)
- Khamenei, Seyyed Ali (2018), *Statements in the community of pilgrims and neighbors of the holy shrine of Razavi*, the information base of the Office of the Supreme Leader, can be viewed on the Internet portal: <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=39272> (in Persian)
- Khamenei, Seyyed Ali, (2019), *Statements during the meeting of the commanders and staff of the Army Air Force*, the information base of the Office of the Supreme Leader, can

be viewed on the Internet portal: <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=41630> (in Persian)

- Knudsen, Olaf (2007), "Post-Copenhagen Security Studies: Desecuritizing Securitization", *Security Quarterly*, Volume 5, Number 3, 115-93. (in Persian)
- Lux, Steven (1991), *Power; Humanism or Evil*, translated by Rajae Farhang, Tehran: Institute of Cultural Studies and Research. (in Persian)
- Momeni, Eskandar; Asariannejad, Hossein (2010), "Security Realism in the Age of Globalization", *Quarterly Journal of Strategic Defense Studies*, Volume 11, Number 112, 216-187. (in Persian)
- Moshirzadeh, Homeira (2012), *Evolution in Theories of International Relations*, Tehran: Samat Publications. (in Persian)
- Nasri, Ghadir (2005), "A Methodological Reflection on the School of Security Zones", *Quarterly Journal of Strategic Studies*, Volume 8, Number 3, 607-585. (in Persian)
- Nasri, Ghadir (2007), "Method of Cognition in the School of Neorealism", *Quarterly Journal of Strategic Studies*, Volume 10, Number 2, 238-215. (in Persian)
- Nasri, Ghadir (2011), "A Theoretical Reflection on the Findings and Difficulties of Bari Buzan in Assessing Security", *Quarterly Journal of Strategic Studies*, Volume 14, Number 4, 134-105. (in Persian)
- Qaisari, Noorullah (2014), "Security Schools: Existing Criticisms and the Necessity of Designing a New Attitude", *Afagh-e-Amniat Quarterly*, Volume 7, Number 22, 55-27. (in Persian)
- Rostami, Farzad; Naderi, Massoud (2015), "Water Crisis and Disruption in National Security", *Quarterly Journal of International Relations Research*, Volume 1, Number 15, 191-161. (in Persian)
- Saboor Haddad, Mehdi (2016), "Characteristics of the Takfiri movement from the perspective of the Supreme Leader of the Islamic Revolution", *Rahnama Magazine*, No. 12. (in Persian)
- Saeedabadi, Mohammad Reza and Mahroogh, Fatemeh, (2013), "China's National Security Strategy: Continuity and Change in Security and De-Security", *Quarterly Journal of International Relations Research*, Volume 1, Number 9, 147-111. (in Persian)
- Saei, Ahmad; Alikhani, Mehdi (2013), "Study of the conflict cycle in the relations between the Islamic Republic of Iran and Saudi Arabia with emphasis on the period 1392 - 1384", *Journal of Political Science*, Karaj Azad University, Volume 9, Number 22, 129-103. (in Persian)
- Shiroudi, Morteza (2015), "Strategic Swot Model in Analyzing the Crisis of ISIL Political Behavior, Islamic Republic of Iran and Ways of Exit", *Quarterly Journal of Islamic Policy Research*, Volume 3, Number 8, 106-81. (in Persian)
- Soraya, Jamshid (2005), "America, Terrorism and Fundamentalism", *Political-Economic Monthly Information*, No. 220, 39-34. (in Persian)
- Sotoudeh, Mohammad (2006), "International Relations from the Perspective of the Supreme Leader", *Hassoun Magazine*, No. 10. (in Persian)
- Ten strong reasons for the connection between the United States and ISIS, (2017), *the information base of the Office of the Supreme Leader*, can be viewed on the Internet portal: <https://farsi.khamenei.ir/others-note?id=35214> (in Persian)
- Trif, Terry & et al (2004), *New Security Studies*, translated by Alireza Tayeb and Vahid Bozorgi, Tehran: Institute for Strategic Studies. (in Persian)



- 
- Yazdanfam, Mahmoud (2012), "Transformation in theories and concepts of international security", Quarterly Journal of Strategic Studies, No. 38, 750-725. (in Persian)
  - Yazdani, Enayatullah; Khodabandeh, Mohammad (2011), "Security in the Postmodern Age", Quarterly Journal of Political and International Approaches, No. 25, 136-200. (in Persian)
  - Zarezadeh Abarghavi, Rasoul (2017), "Study and Critique of the Copenhagen School Security Theory", Afagh-e-Amniat Quarterly, Volume 10, Number 38. (in Persian)
  - Zolfaghari, Mehdi; Omrani, Abuzar (2017), "The Impact of the Rise of ISIS on the National Security of the Islamic Republic of Iran", Quarterly Journal of Political Research in the Islamic World, Volume 7, Number 2, 195-169. (in Persian)